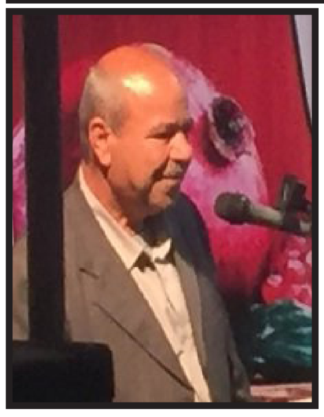
# نسیم جنوب

nasimjonoub.com

سال بیست ویکم- شماره ۸۸۱ یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

در خلیفه دشتستان؛

## تجلیل از نویسنده ادبیات عامیانه استان بوشهر

صفحه ۴



استاندار بوشهر:

## توسعه طرح‌های گردشگری، بوم‌گردی و صنایع دستی در اولویت برنامه‌های استان بوشهر است

صفحه ۲

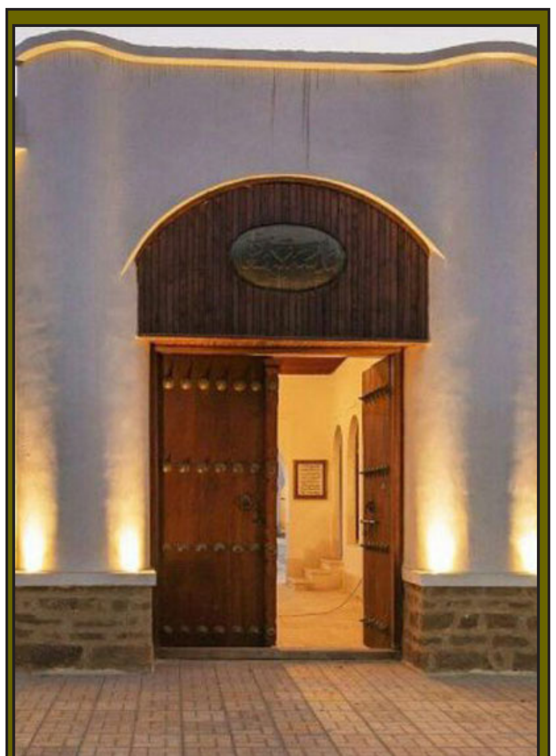
مصاحبه با شاهین بهرام نژاد هنرمند و مجری توانای بوشهری:

# تمام زندگی ام، دغدغه فرهنگی و هنری دیارم بوشهر بوده است

به دنبال ردپای تاگور از مدرسه سعادت تا هندوستان

صفحه ۴ و ۵





## مظلومیت مدرسه تاریخی سعادت در شورای شهر بوشهر!

علی اسماعیلی

صفحه ۳





رجوع به صفحه ٦

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۸۱ یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

مدیرکل روستایی استانداری بوشهر:
## گردشگری در روستاهای استان بوشهر تقویت می‌شود



مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر گفت: گردشگری در روستاهای استان بوشهر تقویت می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، فاطمه دهقانی در نشست گردشگری روستایی اظهار داشت: در سطح جهان شاهد گسترش روزافزون صنعت گردشگری هستیم و این صنعت نقش مهمی در کاهش وابستگی به نفت دارد و از صنایع پاک و رو به رشد محسوب می‌شود.

وی از ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع و درآمدزایی قابل قبول داخلی و ارزی به عنوان دستاوردهای گردشگری یاد کرد و افزود: توسعه گردشگری روستاهای استان از اولویت‌های دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر است.

مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری بوشهر از تلاش برای دریافت اعتبارات ملی برای پیشبرد طرح و اهداف گردشگری استان خبر داد و افزود: اولویت پرداخت این اعتبارات با روستاها است تا زمینه توسعه زیرساخت‌های گردشگری روستایی فراهم شود.

وی از تدوین طرح توسعه گردشگری استان هم راستا با سند راهبردی گردشگری کشور خبر داد و بیان کرد: این طرح با تکیه بر تجربه سنوات گذشته استان در میزبانی از خیل عظیم گردشگران داخلی و خارجی در دستور کار حوزه عمرانی استانداری بوشهر در سال جاری قرار گرفت.

دهقانی معرفی جاذبه‌ها و پتانسیل‌های طبیعی، تاریخی، تجاری و فرهنگ غنی استان بوشهر را از اهداف این طرح دانست و ادامه داد: توسعه زیرساخت های گردشگری شهری و روستایی و شناسایی و حمایت از فرصت های سرمایه گذاری در بخش گردشگری و صنایع دستی از دیگر اهداف طرح است.

وی بیان کرد: از دیگر اهداف این طرح می‌توان به ایجاد اشتغال و درآمد پایدار با استفاده از فرصت بازدید گردشگران داخلی و به ویژه گردشگران خارجی، ایجاد شبکه های بازاریابی برای ارتباط مستمر و هدفمند مناطق هدف گردشگری و رونق همه جانبه این صنعت اشاره کرد.

دهقانی تاکید کرد: چارچوب اصلی طرح شامل، استقرار بازارچه فروش محصولات و صنایع دستی بومی و محلی، ساماندهی گردشگری دریایی و پیش بینی برنامه های متنوع در این راستا، ایجاد اقامتگاه های بوم گردی روستایی و ایجاد فرصت تجربه زندگی روستایی برای علاقه مندان، برگزاری جشنواره ها، بازی ها و مسابقات بومی و محلی و در نهایت ایجاد تحرک، نشاط و ساماندهی فرصت های اشتغال پایدار خصوصاً در نواحی روستایی است.

سرپرست برق استان بوشهر:
## شبکه‌های فرسوده برق‌رسانی در استان بوشهر اصلاح می‌شود

سرپرست شرکت توزیع برق استان بوشهر از مقاوم‌سازی پایه‌های فشار متوسط برق خبر داد و گفت: شبکه‌های فرسوده برق‌رسانی در استان بوشهر اصلاح می‌شود.

به گزارش از روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر، نادر تمیمی اظهار داشت: در راستای مقاوم‌سازی پایه فشار متوسط برق در برابر شرایط بحرانی آب و هوایی، اصلاح شبکه فرسوده موجود در سطح شهرستان دشتی در دستور کار قرار گرفته است.

وی افزود: تاکنون تعداد ۲۸ پایه فشار متوسط با اعتبار ۸۳ میلیون تومان از خط نجیرم از ایستگاه مند دشتی برای بهبود و پایداری شبکه اصلاح و تعویض شده است.

سرپرست شرکت توزیع نیروی برق استان یادآور شد: این عملیات با هدف کاهش حوادث و سوانح عمومی در محیط و ایجاد امنیت به خصوص در شرایط بحرانی آب و هوایی انجام شده است.

تمیمی یادآور شد: با مقاوم‌سازی پایه‌های فشار متوسط برق در سطح شهرستان دشتی انتظار می‌رود که مقاوم‌سازی شبکه در هر شرایط اقلیمی افزایش و در مواقع بحران اثرگذار شود.

استاندار بوشهر:
# توسعه طرح‌های گردشگری، بوم‌گردی و صنایع دستی در اولویت برنامه‌های استان بوشهر است

استاندار بوشهر با تاکید بر حمایت از صنعتگران دستی گفت: توسعه طرح‌های گردشگری، بوم‌گردی و صنایع دستی در اولویت برنامه‌های استان بوشهر است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، عبدالکریم گراوند در بازدید از نهمین نمایشگاه سراسری صنایع دستی در محل نمایشگاه بین المللی بوشهر با تسلیت درگذشت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و با بیان اینکه تولید محصولات صنایع دستی از ظرفیت‌های مهم استان بوشهر است اظهار داشت: صنایع دستی در این استان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که برخی از این محصولات دارای نشان ملی مرغوبیت است.

وی اهمیت راه‌اندازی نمایشگاه سراسری صنایع دستی را مورد اشاره قرار داد و بیان کرد: نمایشگاه صنایع دستی ضمن اینکه سبب معرفی توانمندی نقاط مختلف کشور در عرصه این صنعت است زمینه معرفی آداب و رسوم و فرهنگ استان‌ها می‌شود.

استاندار بوشهر صنایع دستی را اشتغال پاک دانست و افزود: یکی از حوزه‌هایی که در اشتغال پاک تاثیرگذاری فراوانی دارد حوزه صنایع دستی است چراکه قرار گرفتن محصولات صنایع دستی در کنار هم، رنگین‌کمان زیبایی فراهم می‌کند.




گراوند نمایشگاه صنایع دستی را حرکتی ارزشمند دانست و با اشاره به جایگاه صنایع دستی در نقاط مختلف شهری و روستایی خاطرنشان کرد: اشتغال، رونق اقتصادی، گردشگری و درآمدزایی از پیامدهای صنعت دستی است که فعالیت صنایع دستی بر اساس منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در راستای سیاست اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

وی، با بیان اینکه بیشترین فعالیت صنایع دستی در روستاها مستقر است تصریح کرد: توسعه این صنعت سبب رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاها می‌شود و اشتغال و درآمدزایی بدنبال دارد.

استاندار بوشهر با بیان اینکه با سرمایه‌گذاری اندک در حوزه صنایع دستی تحول بزرگی در روستاها ایجاد می‌شود افزود: سرمایه گذاری در صنایع دستی نسبت به دیگر صنایع که سرمایه ثابت و در گردش می‌خواهد با کمترین امکانات راه‌اندازی می‌شود و مشتریان بسیاری در بازار داخلی و خارجی دارد.

گراوند با بیان اینکه نهمین نمایشگاه سراسری صنایع دستی با نمایشگاه سنوات قبل بسیار متفاوت است خاطرنشان کرد: در این نمایشگاه برخی از تولیدکنندگان برای نخستین بار شرکت کرده‌اند که نشان از حضور بیشتر تولیدکنندگان صنایع دستی استان‌ها است.

وی، با بیان اینکه محل برگزاری نمایشگاه با مرکز شهرستان بوشهر فاصله دارد گفت: یکی از اشکالات برگزاری نهمین نمایشگاه سراسری صنایع دستی در بوشهر فاصله آن با مرکز شهر است که برای جابه‌جایی مشکلاتی ایجاد می‌کند.

استاندار بوشهر با تاکید بر حمایت دولت برای توسعه صنایع دستی تصریح کرد: توسعه طرح‌های گردشگری، بوم‌گردی و صنایع دستی در اولویت برنامه‌های استان بوشهر است. گراوند، با بیان اینکه برخی از محصولات صنایع دستی استان بوشهر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تصریح کرد: عبابافی استان بوشهر مورد توجه ویژه قرار دارد که اکنون تولید این محصول هدفمند شده و مورد حمایت قرار گرفته است.

معاون استاندار بوشهر:
## مجموعه دانشگاهی استان بوشهر در کنار صنعت قرار گیرد

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر گفت: مجموعه دانشگاهی استان بوشهر در کنار صنعت قرار گیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، سعید زرین‌فر در آئین افتتاح پروژه تحقیقاتی - پژوهشی طراحی و ساخت اولین بازوی بارگیری نفت خام در جزیره خارگ با گرامیداشت هفته پژوهش اظهار داشت: کار بزرگی صورت گرفته است و شاهد افتتاح آن هستیم.

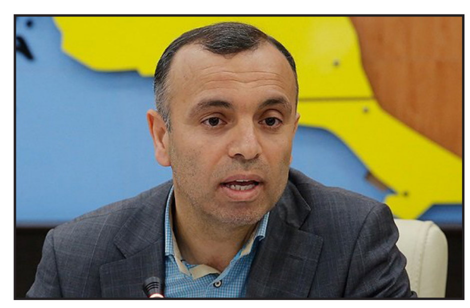
وی اضافه کرد: امروز در شرایطی هستیم که علی‌رغم پیشرفت‌های بزرگ علمی در دنیا ولی نادانسته‌های بسیار زیادی وجود دارد و باید با انجام امور پژوهشی و تحقیقاتی در راستای رفع این کمبودها تلاش کنیم.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر با اشاره به اهمیت بالای فعالیت‌های پژوهشی خاطرنشان کرد: برخی مشکلات و کمبودها وجود دارد که باید با انجام برنامه‌های تحقیقاتی در مسیر رفع این مشکلات قدم برداریم.

وی تصریح کرد: باید علم خود را توسعه دهیم و نمی‌شود که علم را بدون تحقیق و پژوهش توسعه داد و از این نظر پژوهش یک کار اساسی است.

زرین‌فر افزود: دانشگاه و صنعت به صورت جداگانه کارهایی را انجام می‌دهند و باید شرایط به گونه‌ای باشد که کارهای صورت گرفته در دانشگاه به کار صنعت بیاید و نمونه این کار را در جهاد دانشگاهی شاهد هستیم. معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر گفت: راه‌های زیاد دیگری وجود دارد که باید برویم و همه مجموعه دانشگاهی استان بوشهر در کنار صنعت و به ویژه صنعت نفت قرار بگیرند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر:
## کاهش دوره اجرای پروژه‌ها در استان بوشهر/ ۱۲۰۰ طرح افتتاح شد



رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر از کاهش دوره ساخت و اجرای پروژه‌ها در استان خبر داد و گفت: از هفته دولت سال قبل تا امسال، بیش از هزار و ۲۲۰ طرح افتتاح شد.

به گزارش خبرنگار مهر، رضا عوض‌پور در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی استان بوشهر اظهار داشت: یکی از رویکردهای ما پرهیز از اجرای طرح های جدید و تکمیل طرح‌های نیمه تمام مخصوصا طرح‌های با پیشرفت زیاد و تمرکز بر روی مسائل اساسی توسعه استان است.

وی به روند تکمیل پروژه‌های اجرایی در سطح استان بوشهر اشاره کرد و ادامه داد: در یک سال گذشته طرح های جدید را از ۱۰۰ طرح به ۱۷ طرح رساندیم و دوره ساخت طرح‌ها را کمتر کردیم.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر خاطرنشان کرد: از هفته دولت گذشته تا هفته دولت امسال بیش از هزار و ۲۲۰ طرح را به بهره‌برداری رساندیم. عوض‌پور از طرح‌های آبرسانی به عنوان یکی از اولویت‌های مهم استان نام برد و بیان کرد: ۲۸۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان به سدهای کوچک و طرح های آبخیزداری و گردشگری اختصاص داده‌ایم.

وی از توسعه زیرساخت‌های بندری در سطح استان بوشهر خبر داد و گفت: طرح مختلف توسعه زیرساخت‌های بندری استان بوشهر را به ارزش ۶۷۰ میلیارد تومان در دست اجرا داریم.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر تصریح کرد: شاخص فضای کسب و کار استان بوشهر از رتبه ۱۸ در پاییز به رتبه ۹ رسیده است.

معاون سوادآموزی استان بوشهر:
## حضور فعال ۳۰۰۰ سوادآموز استان بوشهر در برنامه‌های فرهنگی




معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر از حضور فعال ۳۰۰۰ سوادآموز استان بوشهر در برنامه‌های فرهنگی خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش‌فر در همایش مسابقه انشاء ویژه پرسش مهر ریاست جمهوری در دبستان شهید فولادی بوشهر با تبریک هفته سوادآموزی، اظهار داشت: در سال جاری از هفته سوادآموزی تا پایان سال جاری بیش از سه هزار نفر از سوادآموزان دوره‌های سوادآموزی در مسابقات مختلف فرهنگی شرکت خواهند کرد.

وی با تاکید بر اهمیت زیاد سواد خواندن و نوشتن، خاطرنشان کرد: نزول اولین سوره از قرآن کریم به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی(ص)، دلالت بر امر داشتن سواد برای افراد بشر دارد.

دانش‌فر با بیان اینکه خداوند متعال به بشر خاکی، نعمت گران‌بهایی همانند عقل عطا کرده، اضافه کرد: مسلما افرادی می‌توانند از این نعمت خدادادی استفاده بجا و درست داشته باشند که دارای دانش و علم بیشتری باشند.

وی فرمان تاریخی بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی مبنی بر تشکیل نهضت سوادآموزی را در راستای بهره گیری صحیح فرد از عقل خود دانست و ادامه داد: سوادآموزی که به برکت فرامان امام(ره) ایجاد شد فرصت دوباره ای برای کسانی بود که از نعمت سواد بی‌بهره بودند.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر تصریح کرد: فعالیت آموزشی حوزه سوادآموزی از اول تا آخر آن برای افراد جویای سواد کاملاً به صورت رایگان است.

وی تصریح کرد: کتاب و تمام وسایل کمک آموزشی افراد سوادآموز به صورت مجانی به آنها ارائه می‌شود و سوادآموز نباید نگران تهیه و پرداخت هیچ گونه وجهی از این بابت باشد.

دانش‌فر ادامه داد: همه شرایط برای آموزش افراد محروم از سواد مهیا شده و کافیست که فقط افراد برای باسواد شدن به کلاس های سوادآموزی مراجعه کنند. معاون سوادآموزی استان بوشهر از دیگر برنامه های نهضت سوادآموزی در سال جاری در حوزه فرهنگی خبر داد و گفت: علاوه بر مسابقه انشاءنویسی، برنامه ها و مسابقات دیگری از جمله مسابقه کتابخوانی و تشکیل حلقه های کتابخوانی با هدف توسعه فرهنگ مطالعه اجرا خواهد شد.

### آگهی حصر وراثت

آقای حسین مرادی نسب دارای شناسنامه شماره ۱۸۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷/۳۸۰ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسن بی غرض به شماره شناسنامه - در تاریخ ۱۳۰۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- باقر بی غرض فرزند حاجی حسن به شماره ملی ۳۵۲۰۰۳۷۹۲۰ متولد ۱۲۷۹ پسر متوفی- ۲- عباس بی غرض فرزند حاجی حسن به شماره ملی ۳۵۲۰۰۳۸۲۶۹ متولد ۱۲۸۶ پسر متوفی ۳- غلامعلی بی غرض فرزند حاجی حسن به شماره ملی ۳۵۲۰۰۷۳۲۱ متولد ۱۲۹۲ پسر متوفی ۴- ابراهیم مرادی نسب فرزند حسن به شماره ملی ۳۵۲۰۰۷۳۲۲۶ متولد ۱۲۹۴ پسر متوفی ۵- مریم ارشدی فرزند حاجی حسن به شماره ملی ۳۵۲۰۰۱۷۸۲۲ متولد ۱۲۷۰ دختر متوفی و لاغیره اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (۱۰۸۸ م. الف)
رییس شعبه ی شورای حل اختلاف دشتستان

### آگهی تغییرات

شرکت سیراف صید بوشهر گروه چهار هزار و پانصد و هشتاد و سه شرکت تعاونی به شماره ثبت ۹۷۰۱ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۷۰۷۹ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - خانم لاله ملازاده رودباریان به شماره ملی ۳۵۰۱۱۱۵۶۴۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای صادق خورشیدی به شماره ملی ۲۲۹۱۵۰۶۹۸۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم شایسته ملازاده رودباریان به شماره ملی ۳۵۷۹۸۳۵۳۷۸ به سمت منشی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۴ انتخاب گردیدند. - خانم لاله ملازاده رودباریان به شماره ۳۵۰۱۱۱۵۶۴۴ به سمت مدیرعامل برای مدت باقیمانده تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۴ انتخاب گردید. -کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک, سفته, برات و اوراق بهادار بانکی با امضاء خانم شایسته ملازاده رودباریان (منشی هیات مدیره) باتفاق خانم لاله ملازاده رودباریان (رئیس هیات مدیره و مدیرعامل) همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و نامه های عادی با امضا خانم لاله ملازاده رودباریان (مدیر عامل) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. (۳۲۶۲۳۰)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر

در آیینی با حضور وزیر کشور؛
## پروژه توسعه گردشگری بوشهر توریسم ۲۰۲۲ رونمایی شد

در آیینی با حضور وزیر کشور، استاندار بوشهر، نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استان از پروژه توسعه گردشگری بوشهر توریسم ۲۰۲۲ رونمایی شد.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور در این آیین با تقدیر از مسئولان استان بوشهر در اجرای این پروژه گردشگری اظهار داشت: این طرح با کیفیت مطلوب اجرایی شده و نشان دهنده تلاش مسئولان استان است.

وی خاطرنشان کرد: استان بوشهر با برخورداری از سواحل طولانی دارای ظرفیت‌های بسیار مهمی در حوزه گردشگری است.

وزیر کشور استفاده از قابلیت‌های هر منطقه را یک ضرورت دانست و اضافه کرد: گردشگری و صنایع دستی یکی از ظرفیت‌های مهم استان بوشهر است که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

فاطمه دهقانی مدیر کل دفتر روستایی استانداری بوشهر به نمایندگی از حوزه معاونت عمرانی استانداری اظهار داشت: طرح توریسم بوشهر ۲۰۲۲ در ۲۴ روستای استان به عنوان پایلوت و دو منطقه عشایری در دشتی و تنگستان اجرایی و عملیاتی شده است.

### آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت آهک دانه بندی خرم جنوب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۸۷۲۹۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱. غلامحسین احمدی بشماره ملی ۳۵۴۹۸۰۳۹۱۵ به سمت رئیس هیات مدیره ۲. علی حیدری بشماره ملی ۳۵۴۹۴۳۲۱۸۶به سمت نائب رئیس هیات مدیره ۳. حسین حیدری بشماره ۳۵۴۹۴۳۳۵۰۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیات مدیره ۴. پرویز احمدی بشماره ملی ۱۸۲۸۰۰۱۵۳۸ و حسین حیدری بشماره ملی ۳۵۴۹۴۳۳۵۰۶ و به سمت عضو/اعضاء هیات مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد رسمی و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک - سفته، برات و سایر نامه های عادی و اداری و قراردادها و پیمانها و مناقصه ها با امضای آقای غلامحسین احمدی (رئیس هیات مدیره) و یا با امضای آقای حسین حیدری (مدیرعامل) همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر (۳۲۰۶۰۰)

### آگهی تغییرات

شرکت دیوان سرو بوشهر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۹۷۰۳ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۷۰۹۸ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای رحمن سرو آزاد به شماره ملی۵۴۷۹۸۸۲۹۳۷ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲-خانم فاطمه سروآزاد به شماره ملی ۲۳۶۰۰۴۳۴۸۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳-آقای افشین فروتن به شماره ملی ۲۳۶۰۱۸۴۱۳ به سمت عضو هیئت مدیره ۴-آقای محمد سروآزاد به شماره ملی ۲۳۶۰۱۷۷۷۲۹ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. -کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته برات و قرارداها و عقود اسلامی بطور کلی هر گونه قراردادی که برای شرکت ایجاد تعهد نماید و اوراق عادی و اداری با امضای آقای محمد سروآزاد مدیرعامل و یا آقای رحمن سروآزاد رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. (۳۲۶۲۲۹)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر

### آگهی تغییرات

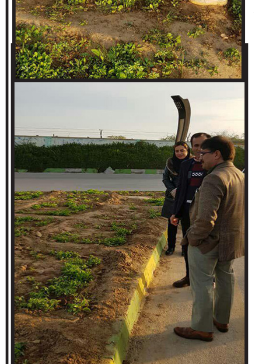
آگهی تغییرات شرکت زمرد ساحل بوشهر گروه چهارهزار وصد و شصت و چهار شرکت تعاونی به شماره ثبت ۹۱۵۳ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۱۶۳۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای محمود عباس زاده به شماره ملی ۵۴۷۹۷۳۸۲۲۴ وخانم کبری محمد صادقی به شماره ملی ۵۴۷۹۹۰۵۴۶۵ وخانم امینه عباس زاده به شماره ملی ۵۴۷۹۹۷۴۲۵۴ به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره و خانم مریم بهروزی به شماره ملی ۵۴۷۹۷۳۶۸۶۸ و خانم زهرا عباس زاده به شماره ملی ۵۴۷۹۷۲۷۹۱۵ به سمت اعضای علی البدل هیئت مدیره برای مدت سه سال انتخاب گردیدند - زهرا عباس زاده به شماره ملی ۵۴۷۹۷۳۳۷۵۳ به سمت بازرس اصلی و رضا بهروزی به شماره ملی۵۴۷۹۷۳۸۲۲۴ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر (۳۲۰۶۰۱)

### آگهی حصر وراثت

خانم لیلا جوکار دارای شناسنامه شماره ۸۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۲/ح/ش-۹۷/۸۸۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فرج درویشی به شماره شناسنامه ۱۷۰۳۳ در تاریخ ۹۷/۹/۲۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- فاطمه درویشی فرزند فرج به ش. ش ۳۵۱۰۸۷۹۴۸۱ متولد ۱۳۹۳ دختر متوفی- ۲- علیرضا درویشی فرزند فرج به ش.ش ۳۵۱۰۶۶۳۳۶۵ متولد ۱۳۸۷ پسر متوفی ۳- ابوالفضل درویشی فرزند فرج به ش.ش ۳۵۱۰۸۲۲۲۱۸ متولد ۱۳۹۲ پسر متوفی ۴- لیلا جوکار فرزند عباس به ش.ش ۸۱ متولد ۱۳۵۹ همسر متوفی و لاغیره اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (۱۲۰۱ م. الف)
عبدالحسین صفدری (رییس شعبه ی سوم شورای حل اختلاف دادگاه عمومی برازجان)

## شهر به استقبال بهار می رود






به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر شهردار بوشهر بازدیدی از وضعیت فضای سبز و کاشت گل های فصلی در راستای آماده سازی سطح شهر در راستای استقبال از بهار داشتند. شهردار بوشهر بر کاشت گل های فصلی در جهت زیبایی منظر شهری و آمادگی تمامی واحدهای شهرداری برای آماده سازی سطح شهر برای ایام نوروز تأکید نمودند.

معاون استاندار بوشهر:
## هزینه‌کرد اعتبارات در شهرداری‌های استان بوشهر شفاف‌سازی شود

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر با تأکید بر شفاف‌سازی هزینه‌کرد اعتبارات در شهرداری‌های استان بوشهر گفت: عملکرد بعضی از شوراها و شهرداری‌ها باعث ناامیدی مردم از دولت و نظام می‌شود.

وی افزود: بعضی از شهرداران و اعضای شوراهای شهر، انگار در یک جزیره جدا از این کشور زندگی می‌کنند به نحوی که از فرصتی که نظام مقدس جمهوری اسلامی برای تعیین سرنوشت مردم توسط خود مردم در قالب شورا ایجاد کرده است سوءاستفاده می‌کنند و علاوه بر اینکه رفتار حرفه‌ای از خود نشان نمی‌دهند بلکه با تخلفات پی در پی و متاسفانه با همراهی شهرداران منصوب علاوه بر هرز دادن منابع اعتباری و عمومی، مردم را از کارکرد دولت و به تبع آن نظام ناامید می‌کنند.

ستوده تأکید کرد: مسئولیت امانتی است که از جانب مردم در اختیار ماست لذا حوزه معاونت عمرانی برای مبارزه با کاسبان سوءاستفاده از بیت المال با قبول هر هزینه ای مصمم است.

### برخورد با هر گونه ویژه‌خواری و رانت

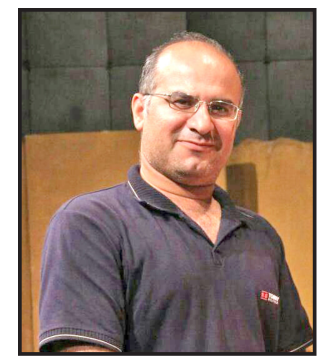
وی یادآور شد: از شورای فنی استان می‌خواهم که با محوریت دفاتر فنی و شهری و روستایی استانداری، ورود قاطع و جدی در بررسی مصوبات و معاملات این شهرداری‌ها کرده و با هر گونه ویژه‌خواری و رانت برخورد قانونی و قاطع داشته باشند و این میسر نمی‌شود مگر با همدلی و هم‌گرایی تمامی نهادهای نظارتی و بازرسی چرا که اگر استانداری و نهادهای نظارتی و بازرسی با یک سیاست واحد و عدالت در برخورد، همگام حرکت کنند مطمئنا مبارزه با مفاسد اقتصادی که مورد تأکید مقام معظم رهبری و رئیس جمهور محترم است آسان‌تر و شفاف‌تر خواهد بود.

وی بیان داشت: در سال ۹۶ مبلغ ۴۲۴ میلیارد تومان به شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان پرداخت شده و در سال جاری نیز تا پایان آبان ماه بیش از ۴۵۵ میلیارد تومان پرداخت شده که البته به زودی ریز پرداختی به تمامی شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان از محل ارزش افزوده و آلایندگی به لحاظ شفاف‌سازی به استحضار مردم رسانیده می‌شود.

معاون عمرانی استاندار بوشهر در پایان بر پویایی و تحرک مدیران در جلسات شورای فنی بویژه حرکت بر مبنای پژوهش و نیازهای واقعی مردم تاکید کرد.

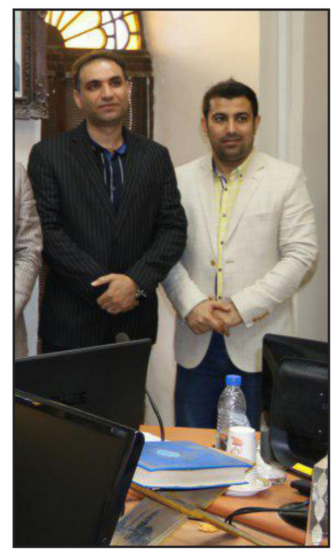
# مظلومیت مدرسه تاریخی سعادت در شورای شهر بوشهر!

علی اسماعیلی



باور کنیم یا نکنیم هاشم زاده عضو اصولگرای شورای شهر بوشهر در مصاحبه ای که با مهدی جهانبخشان (در پیج اینستاگرامی ایشان قابل رؤیت است) دلیل عدم رأی مثبت خود به طرح کمک به فعالیت های فرهنگی مدرسه تاریخی سعادت را اجرای برنامه های سیاسی در آن مدرسه عنوان کرده است ....!
البته جهانبخشان می فرمایند مواردی از این برنامه ها را ذکر فرمایید که ایشان به طرقی از پاسخ صریح طفره می روند و مواردی را ذکر نمی کنند! البته به گمانم گشت و نیافت! اما چه می شود که از نگاه عضو شورا برپایی نمایشگاه نقاشی و جشن شب یلدا و از این دست مراسم ها می شود سیاسی!؟ اما حمایت از سخنرانی کرد میهن (روحانی مخالف دولت و بالا رونده دیوار سفارت!) و از این قبیل مراسم ها سیاسی نمی شود؟ چرا ایشان که مخالف هزینه های مراسمات سیاسی برای شهرداری هستند هیچ گاه در مخالفت قریب به اکثریت مراسم های اصولگرایانه موسسه شهرداری در زمان سرپرستی خانم صفری لب به شکوه نگشودند؟
این در حالی بود که اکثریت مراسماتی که مؤسسه فرهنگی شهرداری به طریقی در آن نقش داشت در چارچوب تفکرات اصولگرایانه و دلواپسانه جناح مدنظر ایشان بود! چه می شود به بنرهای معروف پیرامون حجاب که توهینی آشکار به زنان و مردان جامعه بود به این مؤسسه متذکر نگردیدند؟ دبیرستان تاریخی سعادت در این سالها محفلی فرهنگی و هنری در خور نام بزرگ خود و شهر بوده است و بدون اغراق می توان گفت در زمانی که اداره ارشاد در خواب عمیق و مؤسسه فرهنگی شهرداری جولانگاه اصولگرایان بود، این مدرسه سعادت بود که در کنار چند محفل خصوصی مرتبط به هنرمندان و دوستان شهر، این کوله بار را بر دوش کشیدند! اکبر توسلی دیگر عضو شورای شهر که مخالفت او از قبل مشخص بود و در برهه ای خواهان واگذاری مدیریت این مدرسه به شهرداری نیز بود (به گمانم چون آن قدر مؤسسه فرهنگی شهرداری را عالی اداره کردند!) خواهان پاسخ هیأت امنا به نحوه هزینه کرد صد میلیون تومان در صحن شورا می شود! نگارنده هرگز با حسابرسی آن هم، بیت المال مشکلی ندارم اما سؤالم از آقای توسلی این است نتیجه حسابرسی از مؤسسه شهرداری با آن ردیف بودجه چشمگیر چه شده است؟ چرا تاکنون هیچگونه ریز هزینه از مراسمات فرهنگی را رسانه ای نکرده اید؟ و چه شد به مدرسه سعادت با عملکردهای روشن و مشخص که رسیدید بیاد حساب و کتاب افتادید و این بام و دو هوای شما چه دلیلی دارد؟ گمانم دل سردی مردم و فعالین مدنی از شورا برای شما مزیتی شده که هر گونه تفکر جناحی و ... سلیقه ای به پیش ببرید. نقد بر سایر عملکردهای شورای شهر بوشهر از جمله عملکرد خالق برزگرزاده و مهرزاد آسایش که آنان نیز در صف مخالفان حمایت فرهنگی از مدرسه تاریخی سعادت هستند، فراوان است که انشالله در فرصت دیگر و جهت اطلاع عموم به آنها پرداخته خواهد شد.







## داغ اتوبوس‌ها بر دل ما

**مصطفی داننده:** اتوبوس در ایران، تنها یک وسیله نقلیه عمومی نیست. اتوبوس در کشور ما یک تابوت متحرک است. اتوبوس در ایران عادت دارد، داغ دست جمعی بر دل ما بگذارد. گویی اتوبوس، مرکب جناب عزرائیل است برای ما ایرانی‌ها.
دیگر داغ‌هایی که این غول چرخ دار بر دل ما گذاشته است از شماره خارج شده است. اتوبوس سربازان، یادتان هست. ۱۹ لیسانس وظیفه که با هزار آرزو دانشگاه رفته بودند و بعد به سربازی آمده بودند که شاید بعد از آن ازدواج کنند، شغلی پیدا کنند، برای خودشان مرد شوند، به دره ای سقوط کرد و آنها برای همیشه معاف شدند.
چقدر بچه‌های مردم در جاده‌های جنوب کشور و در اردوهای راهیان نور، قربانی اتوبوس شدند. حالا هم که دانشجویان در دل دانشگاه با اتوبوس به کام مرگ رفتند. اتوبوسی که ارابه مرگ بود و آنگونه که دانشجویان دانشگاه آزاد می‌گفتند، دیروز هشدار داده بود که چه در سر دارد. گفته بود با ترمزهایش، قرار مرگ گذاشته است.
تا می‌آید داغ یک اتوبوس آرام شود داغ دیگر بر تن ایران می‌نشیند.
چه باید بکنیم، چه باید بنویسیم؟ مگر می‌شود این همه داغ اتوبوس را ببینم و کاری نکنیم؟ به نظر می‌رسد ذهنمان برای شنیدن چنین خبرهایی آب‌دیده شده است. آخیی می گوییم و خدا به پدر و مادرشان صبری بدهد و می‌رویم تا حادثه بعدی.
باور کنید هر کجای دنیا اتوبوس‌ها، اینقدر آدم می‌کشتند، مسؤولان آن کشور فکری به حال این ارابه‌های مرگ می‌کردند. به ویژه آنکه علت اصلی بسیاری از این تصادف‌ها هم اشتباه راننده و یا خرابی و قدیمی بودن اتوبوس‌هاست.
نمی‌دانم تا کی می‌خواهیم اخبار این حوادث را بخوانیم و بعد درباره آنها بنویسیم تا حادثه بعدی.



واقعا، آنهایی که مسؤول هستند می‌دانند، داغ یعنی چه؟ می‌دانند داغ فرزند یعنی چه؟ می‌دانند چه لحظات سختی به خانواده‌هایی گذشت که در دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، دانشجو داشتند؟ اصلا می‌دانند جان آدمی یعنی چه؟ می‌دانند اما سود بیشتر، پول بیشتر چشم‌های آن‌ها را بسته است.
اتوبوس ترمز ندارد که ندارد. دانشجو امنیت ندارد که ندارد. پول به ما برسد، چند دانشجو، چند سرباز، چند پیر و جوان هم مردند، مردند.
هنوز که هنوز است اتوبوس‌های قدیمی، که پدربزرگ‌های ما با آن به سفر ماه عسل می‌رفتند، هنوز در جاده‌های ایران کار می‌کند. هنوز که هنوز است همه می‌توانند راننده اتوبوس شوند.
برای یک خلبان هزار آموزش گذاشته می‌شود، هزار آزمایش گرفته می‌شود اما برای راننده اتوبوس....
اینقدر ساده از این مسائل گذشته‌ایم که حالا حوادث این چنین برای ما عادی شده است. اگر در حوادث قبلی واکنش مناسبی داشتیم شاید امروز شاهد این چنین حوادثی به مراتب کمتر و کمتری باشیم.
جمله تکراری است. سال‌هاست آن را می‌نویسیم اما کاش این آخرین حادثه از این جنس بود. کاش ایران کم‌تر داغ ببیند.

## میراث ما برای کودکان و حقوق اجتماعی– انسانی آنها

نسرین محمد باقری



«کودک باید در فضایی سرشار از خوشبختی و محبت و تفاهم بزرگ شود.» این جمله در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است. این پیمان‌نامه بر اصول پایه‌ای زیر استوار است:
حق حیات و رشد همه کودکان، رنج نبردن هیچ کودکی از تبعیض، توجه به منافع کودکان و آزادی بیان آنها در امور مربوط به خودشان.
جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان‌نامه پیوست، البته با این شرط که هر گاه مفاد پیمان‌نامه در هر مورد و در هر زمان با قوانین داخلی ایران و موازین اسلامی تعارض پیدا کند، دولت ایران ملزم به رعایت آن نباشد.
با توجه به امضای این سند از سوی ۱۹۳کشور و اجرای آن در ۱۴۰کشور، می‌توان آن را مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ دانست. با این وجود هنوز کودکان مظلوم‌ترین و بی‌پناه‌ترین قربانیان فقر، گرسنگی و جنگ در جهان هستند .
فقر تغذیه‌ای سالانه جان بیش از ۶ میلیون کودک زیر ۵سال را می‌گیرد. میلیون‌ها کودک ابتدایی در جهان گرسنه به مدرسه می‌روند. بر اساس آمار تایید شده، ۲۰هزار کودک سوری و ۵هزار کودک یمنی در جنگ و درگیری جان باخته‌اند.ده‌ها هزار کودک دچار نقص عضو یا معلولیت‌های حرکتی شده‌اند. میلیون‌ها کودک از تحصیل بازمانده‌اند.
کودکان در اقصی نقاط جهان مورد سوءاستفاده، استثمار، قاچاق و انواع خشونت و شکنجه‌های جسمی و روانی قرار می‌گیرند. در کشورهای مختلف، پدیده کودک‌آزاری و خشونت‌های خانگی شامل آزارهای جسمی و جنسی، غفلت و آزارهای عاطفی و روانی مشاهده می‌شود. آمار مرگ‌ومیر کودکان و آسیب‌های مختلف و رنج‌هایی که کودکان در سراسر کره زمین می‌برند، دل انسان را به درد می‌آورد.
و اما در ایران؛
متاسفانه هنوز ازدواج کودکان (زیر ۱۸سال) وجود دارد. اگرچه بعضی قوانین مانع از انجام ازدواج در سن پایین می‌شوند اما هنوز دخترانی هستند که زیر۱۵ سال به خانه بخت فرستاده می‌شوند.
باتوجه به بحث قیم بودن پدر یا جدپدری، قوانین خشونت علیه کودکان مشکلاتی دارد. کودک‌آزاری از مصادیق جرایم عمومی است و اعلام جرم علیه مرتکبان کودک‌آزاری وجود دارد اما پدر از قانون مستثنی است و در صورت آزار کودک از سوی پدر نمی‌توان علیه او شکایت کرد، اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود.
بر اساس قانون اساسی، دولت وظیفه دارد از طریق آموزش و پرورش امکان تحصیل رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه کودکان و نوجوانان ایرانی فراهم کند. اما کودکانی هستند که به سبب فقر مجبور به ترک تحصیل می‌شوند یا در کنار تحصیل به کار هم اشتغال دارند. باتوجه به اینکه تعداد زیادی از کودکان کار هر روز در خیابان‌ها در معرض دید عموم و مسوولان هستند اما فکری به حال این کودکان مظلوم نمی‌شود.
مدارس ما برای کودکان جذابیت کافی ندارند. دوران تحصیل با رقابت و استرس امتحان، بدون شادی و تفریح سپری می‌شود و خبری از فراگیری مهارت‌های ضروری زندگی نیست. از سوی دیگر عدالت آموزشی هر روز کمرنگ‌تر می‌شود. هنوز مدارس بدون میز و نیمکت وجود دارد. هنوز دانش‌آموزانی هستند که برای تحصیل باید مسافت و راه سخت و صعب طی کنند. توزیع نابرابر امکانات آموزشی و فرصت یادگیری علاوه بر تجهیزات آموزشی در توزیع نیروی انسانی هم دیده می‌شود. در شهرهای مرزی و دورافتاده حضور معلمان مجرب و توانمند کم است، گاه سرباز معلم سرکلاس می‌رود. برای قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه، رقابت بین دانش‌آموزان مدارس عادی با دانش‌آموزانی که در مدارس لاکچری تحصیل می‌کنند، رقابتی نابرابر و ناعادلانه است.
حذف مشق شب مخصوص کلاس‌های با تراکم پایین است. یادگیری در کلاس ۱۵نفره با کلاس ۴۰نفره بسیار تفاوت دارد. در کنار همه مشکلات ریز و درشتی که انسان‌های بزرگ برای کودکان ایجاد کرده‌اند، سهم انسان‌ها در آلودگی هوا، گرم شدن زمین، خشکسالی و کم‌آبی و... را هم نباید نادیده گرفت. هر وقت به آینده مبهم فرزندانم فکر می‌کنم، دلم به درد می‌آید و حس می کنم ما نیاکان خوبی برای نسل بعد از خود نبودیم کاش هر یک از ما گامی کوچک در جهت ساختن دنیایی بهتر برای کودکان برداریم.



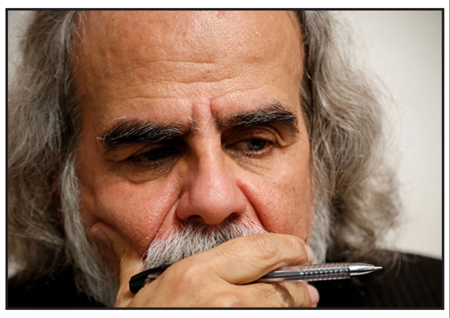
## اقتصاد و دوچرخه

**محسن هدایتی**



بیش از یک میلیارد دوچرخه در دنیا وجود دارد که دو برابر تعداد اتومبیل هاست.
در ژاپن ۱۵درصد رفت و آمدها به محل کار با دوچرخه صورت می گیرد. تعداد زیادی از مردم، از دوچرخه برای رسیدن به ایستگاه های مترو و قطار استفاده می کنند.
بسیاری از کشورهای جهان سالهای سال است روی ترویج "فرهنگ دوچرخه سواری" کار می کنند. نتیجه این امر کاهش آلودگی هوا و افزایش سلامتی شهروندان است.
در حال حاضردوچرخه‌سواری در برخی کشورها، نه تنها یک فرهنگ، بلکه به یک سبک زندگی تبدیل شده است.
در کشور ما هم اگرچه اقدامات جسته و گریخته ای برای ترویج استفاده از دوچرخه انجام شده است اما به علت پیوند خوردن اقتصاد کشور با دوچرخه این اقدامات ناکام مانده است.
در ایران هر کس دوچرخه بخرد: خودرو نمی خرد، وام خودرو نمی گیرد، بیمه خودرو نمی خرد، بنزین نمی خرد، دیر مریض می شود، پول پارکینگ نمی دهد، چاق نمی‌شود و ... لذا برای دولت صرفه اقتصادی ندارد که فرهنگ دوچرخه سواری را ترویج کند و زیرساخت های این امر را فراهم کند.

## ۱۸ اصل راهنمای زندگی از منظر مصطفی ملکیان



باید: ۱) عشق بورزم، یعنی به دیگران نیکی بی حساب و کتاب (هم به معنای بدون محاسبه گری و هم به معنای بی حد و حصر) بکنم تا شادی ژرف نصیب ام شود.
۲) زندگی این جایی و اکنونی داشته باشم تا هم از سلامت روانی بیشتر و هم از کمال اخلاقی بیشتر بهره مند شوم.
۳) به ارزش داوری های دیگران به کلی بی اعتناء شوم تا به خود شکوفائی کامل دست یابم.
۴) تا می توانم به خودم وفادار باشم، یعنی به رویای شخصی خودم پشت نکنم، هر چند این پشت کردن مطلوب های اجتماعی برایم به ارمغان آورد.
۵) هرگز به حل مسأله ی نظری ای نپردازم که حل آن در عمل من هیچ تأثیری ندارد، یعنی به من ربطی ندارد. (حکمت «به من چه؟»)
۶) از زندگی اصیل، یعنی خودجوشانه و خودانگیخته دست نکشم، یعنی خودم باشم و ساده و طبیعی زندگی کنم.
۷) بدانم که به عمیق ترین معنای کلمه، تنهایم.
۸) در غوغا و هیاهوی زندگی فقط به ندای آرام و آهسته وجدان اخلاقی خودم گوش دهم.
۹) خودم را هر چه بیشتر بشناسم و بیش از احوال هر کس دیگر احوال خودم را بپرسم.
۱۰) هدفم را فقط اصلاح خودم قرار دهم و بدانم که فقط در نتیجه ی این کار دیگران را، کمابیش، اصلاح می کنم.
۱۱) بدانم که فقط تغییر و اصلاح خود هم ممکن است و هم مطلوب.
۱۲) خوبی زندگی را بر خوشی زندگی ترجیح دهم.
۱۳) بزرگترین کاری را که می توانم برعهده گیرم، نه کاری بزرگتر از آن را، و نه کاری کوچکتر از آن را.
۱۴) بدانم که همه چیز ناپایدار و گذرا است، چه خوشی ها و چه ناخوشی ها.
۱۵) هرگز از صداقت (= مطابقت پنج ساحت باورها، احساسات، عواطف و هیجانات، خواسته ها، گفته ها و کرده ها با یکدیگر)، تواضع (= در خوشی ها خود را دیگری انگاشتن)، و احسان (= در ناخوشی ها دیگری را خود انگاشتن) دست نکشم.
۱۶) چنان زندگی کنم که گویی در یک قدمی مرگ ام، یعنی در هر لحظه مشغول به کاری باشم که اگر در همان لحظه مرگ درسد نه احساس پشیمانی کنم، نه احساس اندوه و نه احساس حسرت.
۱۷) فقط به وقت ضرورت و به قدر ضرورت سخن بگویم.
۱۸) اهل آرامش به هر قیمتی نباشم.

در حوزه هنری استان بوشهر برگزار شد؛

## نشست نقد و بررسی نمایش «بیضایی» با حضور جهانشیر یاراحمدی

چهاردهمین جلسه واحد نمایش حوزه هنری استان بوشهر همراه با تماشا و نقد بررسی فیلم تئاتر «بیضایی» به نویسندگی و کارگردانی سید محمد مساوات با رویکردی به نمایش ایرانی برگزار شد.
به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر، چهاردهمین جلسه واحد نمایش حوزه هنری استان بوشهر همراه با تماشا و نقد بررسی فیلم تئاتر «بیضایی» به نویسندگی و کارگردانی سید محمد مساوات با رویکردی به نمایش ایرانی و با حضور جهانشیر یار احمدی رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر و جواد متین عضو کانون ملی منتقدان تئاتر ایران برگزار شد.
متین گفت: جهانشیر یاراحمدی تاکنون آثاری چون «سنمار»، «آژدهاک» و «هشتمین سفرسندباد» و... از آثار استاد بیضایی به کارگردانی حیدر مظفری را در بوشهر بازی کرده اند.
وی افزود: یاراحمدی در این جلسه از میزان توجه و حمایت بهرام بیضایی از هنرمندان تئاتر شهرستان صحبت کرد و در پایان بخش هایی از نمایشنامه «آژدهاک» را بصورت نمایشنامه خوانی اجرا کرد.
منتقد این جلسه در پایان گفت: جلسات نقد و بررسی تئاتر در روزهای سه شنبه ساعت ۱۸:۳۰ در سالن اجتماعات حوزه هنری استان بوشهر واقع درمیدان قدس، ابتدای بلوار رئیس علی دلواری برگزار می شود.

در خلیفه دشتستان؛

## تجلیل از نویسنده ادبیات عامیانه استان بوشهر شعرخوانی شاعران محلی



مراسم نکوداشت دکتر عبدالله رضایی نویسنده کتاب‌های ادبیات عامیانه و ضرب‌المثل‌های استان بوشهر در روستای خلیفه شهرستان دشتستان برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم نکوداشت دکتر عبدالله رضایی نویسنده کتاب‌های «ادبیات عامیانه استان بوشهر»، «ضرب‌المثل‌های استان بوشهر»، «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» و «تحلیل ادبی سوره یوسف» با حضور شاعران و نویسندگان و اهالی فرهنگ و ادب استان بوشهر در روستای خلیفه دشتستان برگزار شد.

محمدجعفر نجدی دبیر برگزاری سومین سلسله برنامه شب‌های یلدای خلیفه در این مراسم اظهار داشت: حفظ هویت و فرهنگ و ادبیات بومی و محلی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که در این مسیر تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و نویسندگانی در این زمینه آثاری را بر جای گذاشته‌اند.

وی با اشاره به تألیف و چاپ چندین جلد کتاب توسط عبدالله رضایی نویسنده باسابقه استان بوشهر خاطرنشان کرد: دکتر رضایی عمر خود را صرف تحصیل و تدریس و تألیف کرده است و در این راه سختی‌های بسیاری را متحمل شده است.

فرج‌الله کمالی شاعر برجسته محلی‌سرای استان بوشهر نیز در این آئین با تجلیل از نویسنده کتاب‌های ادبیات عامیانه استان بوشهر اظهار داشت: امیدواریم در آینده نیز شاهد تألیف و چاپ کتاب‌های بیشتری از دکتر رضایی در این زمینه باشیم.

کمالی که دارای سابقه طولانی در شاعری و شعرخوانی در مجالس و محافل ادبی در نقاط مختلف استان بوشهر است، در این مراسم اعلام کرد که به علت پیری، از این به بعد در مجالس به شعرخوانی نخواهد پرداخت.

عبدالله رضایی نویسنده ادبیات فولکلور استان بوشهر نیز در این مراسم با تقدیر از برگزارکنندگان این مراسم و جشن بزرگ به بیان سختی‌های جمع‌آوری و تألیف کتاب‌های ادبیات عامیانه و ضرب‌المثل‌های استان بوشهر پرداخت.

نمایش کلیپ خلیج فارس ایرج شمسی‌زاده ساخته مهدی تنگستانی، برپایی موزه مردم‌شناسی توسط رضا محمدی، پخش کلیپ زیبای مستند ویژه نکوداشت دکتر رضایی به تهیه‌کنندگی مهدی تنگستانی و اجرای گروه موسیقی آوای دشتستان با هنرمندی مرتضی مختاری، محمدعلی درخشان و علیرضا پوربهی از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

در بخش شب شعر زمستانه شاعران استان بوشهر از جمله فرج اله کمالی، محمد غلامی، مهدی شیخیانی، محمد بحرینی‌فرد، محمدجواد جعفری همت، جواد نگهبان، محمد دهقان، علی طوسی ابوالفتح محمدیان، اصغر شمسی‌پور، علی عشایری و محمدجعفر نجدی به خوانش تازه ترین آثار خود پرداختند.

در این مراسم همچنین دکتر محمد جواد فخرایی پژوهشگر تاریخ در مورد ریشه های آیین شب یلدا مطالبی را بیان کرد.

حضور دانشجو معلمان دانش‌سرای امام جعفرصادق(ع) آبپخش ورودی‌های سال ۶۳ و اهدای لوح یادمان و تقدیم هدایایی بعنوان قدرشناسی و تقدیم لوح یادمان دست اندرکاران این آیین به همراه کاری هنری از چهره استاد رضایی در قاب صمیمیت بخش بعدی بود.

در این آیین همچنین از اسماعیل کریمی، نیکوکاری که طی سال جاری یک مرکز درمانی در روستای خلیفه ساخته قدر دانی شد.

این آیین جلوه‌هایی هم داشت که اشک را به گونه‌ها فراخواند؛ اقدام شاگردان سال‌های پیش استاد رضایی که خود معلمانی اکثرا بازنشسته هستند به دست‌بوسی استاد و احترام به مقام والای معلم و استاد خود رفتند که بهترین جلوه آموزشی بود.

مصاحبه با شاهین بهرام نژاد هنرمند و مجری توانای بوشهری:

# تمام زندگی ام، دغدغه فرهنگی و هنری دیارم بوشهر بوده است

### به دنبال ردپای تاگور از مدرسه سعادت تا هندوستان

### برداشت چهارم از یک سفر خیال انگیز به سرزمین مهاراجه ها



**جمیل رزمی:** در پاییز خدا در یک صبح آرام و زیبا، که آفتابش دل هر رهگذری را می ربود. همراه عبدالکریم نیسنی راه افتادیم به قصد یک سفر، سفری که ما در آن جایی نداشتیم اما سایه به سایه آنها در بازخوانی و تاریخ نگاری آن همراهشان بودیم و ما با وسواس همیشگی شاید کمی هم بیشتر سر ساعت مقرر خودمان را به جلو دارالعلم شهرمان رساندیم، جایی که همچنان عظمتش را حفظ کرده بود به سراغ مدیر آنجا رفتیم او را از قبل می شناختم در این که او آدم خوش قلبی است هیچ شکی نداشتم به محض این که ما را دید از جایش بلند شد و مثل خیلی از بوشهری هایی که لبخندشان را رایگان به هم هدیه می دهند به استقبال مان آمد. سلام کردم و آقای فره وشی دست مرا به گرمی فشرد لحظه ای بعد نگهبان را صدا کرد و از او خواست تا هر کلاسی را که ما پسندیدیم برای ما مهیا کند، ما به دنبال نگهبان به راه افتادیم مقداری از راه را که طی کردیم من بی اختیار برگشتم و نگاهی به پشت سرم انداختم، حیاط دَرن دشتی بود درست در سمت راست ورودی دالان کلاس بچه های دوم ریاضی بود، من هرازگاهی با دوست دوران کودکی تا جوانیم فرشید جان احمدیان سر کلاس آنها حاضر می شدم آن روز درس زبان خارجه داشتند و مرحوم سیدجواد عین الملک با همان سبک و سیاق خاص خودش درس داد. به راه مان ادامه دادیم حالا دقیقاً به وسط حیاط رسیده بودم مکث کوتاهی کردم و اگر آن لحظه کسی از من می پرسید مرکز زمین کجاست قطعاً می گفتم همین جایی که من ایستاده ام و دوباره به دنبال آنها به راه افتادم. در حال و هوای خودم بودم که صدای چرخش کلید و باز شدن در کلاس مرا به خود آورد، وارد کلاس شدم. کلاس جای خوبی بود و ترکیبی از یک فضای قدیمی و مدرن را داشت، بر روی دیوار قاب عکسی بود که همه بزرگان شهرم در آن جای گرفته بودند (آتشی، نعمتی زاده، چوبک، باباچاهی و...) چقدر بزرگند که با همه بزرگیشان در یک قاب جای می گیرند. ما در اتاق مشاهیر بودیم. تصاویر اسطوره های فرهنگی شهرم لحظه ای از جلو چشمانم دور نمی شد، چقدر حیف است که داشته هایت را قدر ندانی و برای بدست آوردنش بخواهی خاک ها را کنار بزنی. از مهمان مان می خواهم که پشت تریبون بنشیند.

خوب که به چهره آرامش نگاه می کنم با خودم می اندیشم که شاید دکتر سید جعفر حمیدی این شعر را برای او و دلمشغولی هایش سروده است دغدغه های او و تجسم عینی این سروده حضرت استاد است آنجا که می گوید:

تو کیچه پس کیچه هاش وختی که تیفون می پیچه
هیچ غنا هشتی ایجور دلکش و شیرین نبیده
ای صدوی غره طراقش شو بارونی خشن
از او خش تر بخدا تاچین و ماچین نبیده
دل هیشکی سی بوشهر مثل مو غمگین نبیده...

او مولود و فرزند سرزمینی است که فرهنگ و قدمتش به بیش از هفت هزار سال تاریخ ایلامی می رسد. او زاده اندیشه پاک زنان و مردان نیک سرشتی است که پس از قرن ها از همان آداب و رسوم و سنن سر برآورده و در وجود چنین جوانان شایسته ای جلوه نموده است، او در حکم همان سنگ های گران بهایی هستند که اگر خوب صیقل داده شوند خوب دیده می شوند و مانند جواهرات چشم نواز خواهند شد. با هم مروری خواهیم داشت بر داشته های این چهره شاخص فرهنگی که ویژگی برجسته او علاوه بر نگاه عمیقش به مقوله فرهنگ، از متانت و ادب خاصی برخوردار است. او با همه جوانی اش از یک پختگی و بلوغ فکری برخوردار است که این را می توان در نگاه و سکوتش جستجو کرد. با هم به تالار افتخاراتش قدم می گذاریم و می بینیم آنچه را که حاصل ۳۲ سال مجاهدت هنرمندانه اوست.

شاهین بهرام نژاد در شانزدهمین روز از گرم ترین ماه سال یعنی ۱۶ مرداد ۱۳۵۴ در یک خانواده تحصیل کرده و پایبند به نظم و آداب و رسوم چشم به جهان گشود. پدرش شهریار بهرام نژاد از تکنسین های کاربلد اداره راه و ترابری بوشهر بود که قریب به پنجاه سال است که ساکن بوشهر است و وقتی باند فرودگاه مورد تهاجم قرار می گرفت همراه با همکارانش آن را مرمت و بازسازی می کردند و از حریم هوایی کشور حفاظت نمود. مادرش کدبانویی به تمام معنا بود که فرزندان خود را از همان اوان کودکی با مفاهیم اعتقادی آشنا کرد و آنها را در وجودشان نهادینه کرد. شاهین از علائق پدرش به ادامه تحصیل او می گوید تا حدی که در برخی از کارها مانند تهیه صورت وضعیت، نقشه برداری و محاسبات کمک حال پدر بود. بهرام نژاد پدر نیز مانند همه ی پدرها بهترین ها را برای فرزندانش می خواست و دوست داشت تا شاهین مهندسی عمران را بخواند، به اعتراف او همکاری با پدرش برای وی تجربیات ارزنده ای را به همراه داشت به طوری که ریاضیات همچنان در زندگی او نقش و تأثیر خود را داشته و دارد. در سال ۸۲ به دانشگاه راه یافت و موفق شد تا به آرزوی پدر جامه عمل بپوشاند و پس از این که به خواسته پدر احترام گذاشت به دنبال عشق خود که همانا تحصیل در رشته هنر رفت و موفق شد تا مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته هنرهای نمایشی اخذ کند.

وی فعالیت هنری خود را از سال ۶۵ با نمایش محله آغاز نمود، او هنرمندی چندوجهی است که در تمامی عرصه های هنری وجود خود را به اثبات رسانده است، رزومه کاری او را می توان به دو بخش سمت ها و اجراهای او تقسیم کرد که مملو از افتخاراتی است که مستندات آن اظهر من الشمس است. مردم ما کمتر او را در کسوت یک استاد دانشگاه دیده و یا شناخته اند او یک صاحب نظر فرهنگی است که در دانشگاه علمی کاربردی، دانشگاههای پیام نور، و دانشکده الزهرا توانسته است دانش خود را به دانشجویان و جویندگان علم انتقال دهد و یا حتی دیده یا کمتر شنیده شده است که او یک نویسنده زیردست، کارگردانی متهور، بازیگری قابل تحسین و گزارشگری پرحرارت است که در همه ی این ها صاحب سبک می باشد به طوری که امسال در مسابقات جام جهانی روسیه به دعوت شبکه سه به گزارش مسابقات پرداخت، کارگردانی برنامه سیمای هنر در استان، تهیه و اجرای برنامه کودک در شبکه استانی، وی از قوی ترین عوامل جذب مخاطب در برنامه پربیننده و خاطره انگیز شونشینی است.

این برنامه نه تنها در میان بوشهری ها بلکه بین مرکزنشینان (پایتخت) و ایرانی های خارج از کشور به خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس بیننده و مخاطب دارد. مجری برنامه رادیویی سی مو سی تو و گنجینه خلیج فارس است. او که خود را زاییده و فرزند برنامه پرمخاطب گنجینه خلیج فارس می داند معتقد است حضور در این برنامه بر دانش و غنای فکری او افزوده است. به نحوی که بر فعالیت های علمی و کاری او به شدت تأثیر گذاشته است. انتخاب او به عنوان تهیه کننده برگزیده برنامه از دریا تا نخلستان در جشنواره تولیدات رادیو تلویزیون های کشور، انتخاب او به عنوان بازیگر مرد برتر برای بازی در نمایش آخرین مروارید، اجرای چندین برنامه در شبکه سراسری و شبکه های بین المللی از جمله شبکه های یک، دو، سه، جام جم و خبر اجرای ده ها برنامه مشترک و زنده، اجرای چند قسمت از برنامه شبکه سه به عنوان مجری، داور جشنواره مجریان صحنه کشور در تهران و مشهد، مجری چندین مراسم افتتاحیه و اختتامیه جشنواره بین المللی فیلم کوتاه، بازیگر برتر مسابقه رادیویی در یزد و مدیر فستیوال ملی موسیقی کوچه، داور برنامه آقای گزارشگر از شبکه سه و ساخت چندین فیلم مستند از مشاهیر و تاریخ بوشهر که منجر به دریافت چندین جایزه استانی و ملی شد. بازیگر نقش اول فیلم مروا به کارگردانی کریم فائقیان که از شبکه سه سیما پخش شد و بازیگر فیلم بازگشت، بازی و کارگردانی بیش از هزار نمایش رادیویی و همکاری با چندین نشریه، مدرس کارگاههای آموزشی سینمای جوان بوشهر در زمینه پژوهش، فیلم نامه نویسی، همه و همه حاصل سه دهه پربار از فعالیت فرهنگی و هنری این شاهین بلند پرواز آسمان فرهنگ و ادب این دیار است به طوری که باعث وجه تمایز او با سایر مجریان و هنرمندان استان حتی کشور است.

با این مقدمه پای صحبت های مردی می نشینیم که آهنگ صدایش لبریز از آرامش است، شاهین بهرام نژاد به واقع آرامشش را با شما تقسیم می کند، او همان آرامش در حضور دیگران است لطفاً در این مسیر آرام همراه ما باشید.

**– جناب بهرام نژاد عزیز بی نهایت سپاسگزاریم که دعوت ما را برای این گفتگوی صمیمانه پذیرفتید و برای خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب وقت گذاشتید، خوب اگر آماده هستید سؤال اولم را مطرح کنم.**

– شاهین بهرام نژاد: بله خواهش می کنم من هم به همه خوانندگان و مخاطبین هفته نامه نسیم جنوب سلام و عرض ادب دارم در خدمت شما هستم بفرمایید تا پاسخ دهم.

**– آقای بهرام نژاد من این سؤال را از همه مسافران قطار بوشهر– بمبئی پرسیده ام اما احساس می کنم که خوانندگان ما دوست دارند که آن را از زبان شما بشنوند. چگونه مسافر این سفر خیال انگیز شده اید؟**

– ببینید ما یک سری دوست و رفیق هستیم که دغدغه فرهنگی شهرمان را داریم و دوست داریم که این جغرافیای کوچک به لحاظ مساحت اما عمیق به واسطه داشتن بسیاری از ظرفیت های فرهنگی و هنری و آیینی بتواند خودش را معرفی کند. وقتی که یک هنرمند از جایی یا شهری به اینجا می آید و به آن می گوییم در اینجا از تولد تا مرگ از رزم تا بزم تا از سور تا سوگ آیین و مراسم داریم لحظه به لحظه زندگی مردم ما همراه با موسیقی آیینی است که از اجداد ما از نسلی به نسلی از سینه به سینه به ما رسیده و برماست که باید حافظ و حارسش باشیم تعجب می کنند و می گویند مگر می شود این همه آیین در جغرافیایی به نام بوشهر اتفاق بیفتد سند می آوریم و عینی می بینند و باور می کنند اما شگفت زده می شوند و این خیلی حیف است که نخواهد معرفی بشود، آیین را اگر خودمان برای خودمان هر ساله اجرا کنیم اتفاقی نمی افتد، اتفاق زمانی می افتد که ما بتوانیم این آیین ها و این رسوم معرفی بشوند و این فرهنگ بسط و اشاعه داده شود و چه بسا خیلی از قسمت های این فرهنگ با فرهنگ های دیگر نکات افتراق و اشتراک داشته باشد، زیرا فرهنگ هم تأثیر می پذیرد و هم تأثیرگذار است از جمله این دو بندر بوشهر و بمبئی که در مورد تاریخش خیلی می شود صحبت کرد و اشتراکاتش که من در این مورد نمی خواهم صحبت کنم.

ما این دوستانی که دور هم جمع شدیم دغدغه فرهنگی شهرمان را داریم و بدون هیچ چشم داشتی دوست داریم که بوشهر را به بهترین شکل ممکن معرفی کنیم و در واقع طرحی را که برادران عبدی پور به عنوان هفته فرهنگی بوشهر در بمبئی طراحی کردند به همین خاطر بود، ما همه عزم مان را جزم کردیم و همان روز اول به ما گفتند در این مدت ماشین حساب هایتان را بندازید دریا، ما هر حرکتی را که امروز انجام می دهیم چرتکه می اندازیم، معامله می کنیم، نگاه می کنیم به نفع مان است یا به ضررمان، می تواند سود مالی داشته باشد یا نمی تواند سود مالی داشته باشد اینجا به سودهای دیگری فکر کردیم به منافع دیگری فکر کردیم منافعی که دیگر خودمان ذی نفعش نیستیم شاید در آینده بتوانند در مورد فرهنگ بوشهر صحبت بکنند و ما هم ذره ای و جزیی از این فرهنگ باشیم. این اندیشه و این دیدگاه وقتی در فکر کسی باشد خواه ناخواه مسافر بوشهر به بمبئی می شود که شما به آن اشاره کردید.

**– جناب بهرام نژاد این مسافرت چه ضرورتی برای شهر و فرهنگ آن داشته و دارد؟**

– ما وقتی در مورد یک حرکت فرهنگی صحبت می کنیم نباید منتظر برخورد آنی آن باشیم مثلاً ما یک تیم فوتبال درست می کنیم که می رود ورزشگاه آزادی با استقلال یا پرسپولیس بازی کند نتیجه همان نود دقیقه مشخص می شود و یا برنده می شود یا بازنده. کار فرهنگی به صورت قطره چکانی و تزریقی صورت می گیرد، خیلی نامحسوس اثرگذار است، سال های بعد شاید فرزندان ما هم بروند به بمبئی یا از بمبئی به بوشهر بیایند. من به صورت مصداقی خدمتتان عرض کنم شیعیان مقیم بمبئی که تعداد بسیار زیادی هستند چند میلیون نفر هستند در مسجد ایرانی ها گفتند تا محرم، محرم است تا محرم زنده است هر سال ما پذیرای یک هیئت عزاداری از بوشهر خواهیم بود. دمام های ما را آنجا نگه داشتند و گفتند این ها باید اینجا بماند امانت تا سال دیگر. بیایید ما می خواهیم که میزبان شما بوشهری ها باشیم این یک موردش.

دومین مورد من خودم در بمبئی با یک خانواده هندی روبرو شدم که فامیل شان بوشهری بود با آنها که صحبت کردم و گفتگو کردم گفتم شما چطوری فامیل تان بوشهری است؟ گفت پدرم گفته که پدربزرگم حدود ۲۵۰ سال پیش از بوشهر به اینجا آمده و در بمبئی ساکن شده و اینجا ازدواج کرده و ما فقط فامیل مان را می دانستیم که بوشهری هست و می دانیم که بوشهر جایی در جنوب ایران می باشد و آرزویمان این است که سرزمین آبا و اجدادی مان را ببینیم و قرار بر این شد که در زمستان همین امسال یک هیئتی از جمله همین خانواده بوشهری که سال هاست بوشهر را ندیده اند با یک تعداد خیلی زیاد از کسانی که در هندوستان مکنت مالی دارند بیایند و یک صنعت گردشگری بین بوشهر و بمبئی راه بیفتد که هر ساله یک تور گردشگری را برای هندی ها داشته باشیم. نکته بعدی که می توانم به آن اشاره کنم این است که ما در روزهای ابتدایی محرم که مراسم آیینی سنج و دمام اجرا می شد، دیدیم که هندی ها می گفتند دمام بوشهری، دمام بوشهری، برای من خیلی جالب بود من قبلاً فکر می کردم که دمام از هندوستان و آفریقا وارد بوشهر شده است و در اینجا این نظریه تغییر کرد که دمام از آفریقا وارد بوشهر شده و در بوشهر لباس بومی بر تن کرده و برای مراسم عزاداری به کار رفته و بعد با همین لباس به بمبئی صادر شده است شاید هم توسط شخصی مثل ناخداعباس دریانورد شاید هم توسط یک عزیزی به نام آقای بوشهری با شهرت بوشهری. گفتم این دمام مال کیست گفتند این دمام متعلق به آقای بوشهری است که به اینجا آورده، نکته دیگری که می خواهم به آن اشاره کنم حدوداً دو هفته بعد از سفر ما یکی از نخبگان دیارمان جناب آقای دکتر رضا آذین که ایشان مدیر بنیاد نخبگان بوشهر هستند گفتند دعوت شده ام به یکی از دانشگاه های بمبئی برای سخنرانی می خواهم در یک سمینار علمی در مورد نفت و پتروشیمی صحبت کنم و من از شما خواهش دارم یک فیلمی از دستاوردهای سفرتان به بمبئی و سفر فرهنگی که هنرمندان بوشهری رفتند بمبئی را به من بدهید و می خواهم با افتخار این ده دقیقه را قبل از سخنرانی پخش کنم. ما هم یک کار ده دقیقه ای آماده کردیم و تقدیم دکتر آذین نمودیم تا قبل از سخنرانی آن را پخش کند. این ها نمونه و مصداقی بود که بازگو کردم. در طول زمان اتفاق هایی دیگر خواهد افتاد که آیندگان در موردش سخن خواهند گفت و ما الان نمی توانیم آن طوری که شایسته است صحبت کنیم.

**– جناب بهرام نژاد برای ما خیلی جالب خواهد بود که از اتفاقات شیرین این سفر برای خوانندگان نسیم جنوب صحبت کنید؟**

– بمبئی شهر عجیبی است، شما در بمبئی مواردی را می بینید که در جاهای دیگر نمی بینید. شهر عجایب است باور نمی کنید این همه خیابان خواب دارد و افراد ثروتمند و فاصله طبقاتی در این شهر بسیار زیاد است. از اتفاقاتی که برایتان خواهم گفت حضور هنرمندان بوشهری در بالیود است همانطور که می دانید بالیود بعد از هالیود بزرگترین مرکز فیلم سازی آمریکا محسوب می گردد. یکی از صادرات هندوستان فیلم سینمایی می باشد شاید برایتان عجیب باشد یکی از عناصر مهم سینمای هند، موسیقی است و از موسیقی در فیلم هایشان زیاد استفاده می کنند. آنها آن چنان شیفته موسیقی محلی و آیینی بوشهر شدند و سر از پا نشناختند و نتوانستند شعف و شگفت زده شدنشان را از شنیدن آن پنهان کنند. وقتی که مصاحبه می کردند همه شان بدون استثناء اشاره می کردند که این موسیقی برای ما یک موسیقی شگفت انگیز است و چقدر می تواند شبیه باشد موسیقی ما به موسیقی بوشهری و موسیقی بوشهری به موسیقی ما و بین این نکات اشتراک بسیار زیادی احساس کردم. یکی دیگر از اتفاقاتی که افتاد این بود که در هند گوشت زیاد طرفدار ندارد و استفاده نمی کنند، نمی خورند یا کمتر می خورند، ما با علم به این موضوع هم دال عدس بوشهری درست کردیم که یک غذای هندی است و هم قیمه بوشهری که البته در آن گوشت هست و آنها هم دال عدس را که یک غذای هندی است و به بوشهر آمده و ما مجدداً آن را به هند بردیم و هم قیمه بوشهری را با شکر پلو که بسیار مورد توجه شان قرار گرفت و دوست داشتند، در آنجا صنایع دستی مان خیلی مورد توجه شان قرار گرفت همچنین برنامه ای که به صورت مشترک اجرا شد و تلفیقی مشترک از موسیقی بوشهر و هند بود. بمبئی شهری است که همه را شگفت زده می کند و جالب است که بدانید این شهر با حضور بوشهری ها و ارائه فرهنگ و آیین شان بمبئی را شگفت زده کرد.

**– جناب بهرام نژاد ما دوست داریم بدانیم که مخاطبین شما در هند چه کسانی بودند؟**

– به صراحت می توانم بگویم با رایزنی هایی که توسط مسئولین ایرانی در بمبئی صورت گرفت و هماهنگی های لازم که با مجامع علمی و فرهنگی آن شهر انجام شد علاوه بر مردم عادی ما شاهد حضور شخصیت های فرهنگی و اساتید دانشگاهها، اساتید موسیقی و انجمن های فرهنگی و ادبی از هنرمندان سینما بودیم من آنجا یک نکته را به آنها اشاره کردم و آن نکته این بود که گفتم می دانید فخر ادبیات هندوستان رابیندرات تاگور برنده جایزه نوبل ادبی از بوشهر وارد ایران شده– در همین دبیرستانی که داخل آن هستیم (مدرسه سعادت) و تاگور در همین مدرسه سخنرانی داشته که عکسش موجود است و من عکسش را به آنها نشان دادم. همان جایی که ما ابتدا وارد شدیم و نشستیم (اتاق مدیریت مجتمع فرهنگی سعادت) و میزی را گذاشتند و کارکنان مدرسه به همراه رابیندرات تاگور نشستند و با هم صحبت کردند و در همین مدرسه در اجتماع دانش آموزان سعادت برای آنها سخنرانی می کند و از همین جا به شیراز می روند و بر سر مزار حافظ حاضر می شود آنها خیلی برایشان جالب بود که تاگور از بوشهر وارد ایران شده است و یک مسئله دیگر در این سفر به همراه احسان عبدی پور، کریم فائقیان و مسعود نجف پور بوشهری به هندوستان داشتیم قرار بود در سفارت هندوستان ما ویزا بگیریم و بیاییم بمبئی، سفارت هند با آن شرکت به مشکل برخورده بود و آن شرکت قرار بود ویزای ما را بدهد، رفتیم بالا گفتیم آقا ما یک گروه هنرمند هستیم که دغدغه فرهنگی داریم و باید برویم بمبئی را ببینیم. گفت شما از کجا آمده اید؟ گفتم من از جایی آمده ام که تاگور برای اولین بار به شهر ما آمده بود و درباره بوشهر برایش صحبت کردم، عرض ده دقیقه گفت ویزای این چهار نفر را صادر کنید تا بروند. می



ادب و هنر
شماره ۸۸۱ یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷
NASIM JANOUB




**باید قدر انسان هایی که دارند برای فرهنگ و هنر این شهر کار می کنند بدانیم. باید یک خورده هوای دل همدیگر را داشته باشیم دل خوش، به بودن همدیگر داشته باشیم و یک جایی باید تمام شود این کار که زیر پای همدیگر را خالی کنیم. من هر کدام از هنرمندان استانم که موفق می شوند اول به خودم تبریک می گویم.**
**ما با چهره های فرهنگی و هنری شهرمان چه کرده ایم. تا هستند باید قدرشان را بدانند و این یعنی فرهنگ سازی ما باید در این مسیر قدم برداریم.**

خواهم بگویم یک نشانه فرهنگی این طوری برای آنها خیلی ارزشمند است و در شهر بمبئی موزه ای نبود که ما نرفته باشیم، حتی به مدارس بمبئی سر زدیم که ببینیم نحوه آموزش شان چگونه است و به مرکز فیلم سازی بمبئی سر زدیم و شما می دانید که اگر در هندوستان بخواهید یک شخصیت دولتی را ببینید شاید خیلی راحت باشد تا بخواهید بروید یک کارگردان سینمای هند و یا یک بازیگر هند را ببینید، آقای سونیل دات فرزند سانجی دات به استقبال ما آمد، شما می دانید که در هند سینما موروثی است و به استقبال فستیوال کوچه در بمبئی آمدند با آقای داریوش غریب زاده گفتگو کردند عکسش هست، در آنجا فیلم آقای داریوش غریب زاده به نمایش درآمد و چقدر مورد استقبال قرار گرفت و این ها اتفاقات کوچکی نیستند که بیفتد. من اگر یک منصب دولتی داشتم نمی توانستم اینطور که در لباس فرهنگی آن جا حضور داشتم تأثیرگذار باشم. من فکر می کنم در این دوره زمانه ای که خیلی از دشمنان فرهنگی ما، اسمش را هم که دشمن نگذاریم یا هر چیزی دارند تلاش می کنند ایران را یک کشور منزوی نشان بدهند حضور ما به عنوان سفیران فرهنگی می تواند فرهنگ عمیق و ژرف کشورمان را خیلی خوب نشان بدهد. ما باید وارد عمل شویم اگر شعار بدهیم شاید پذیرش نشود اما در عمل خیلی از مسائل ثابت می شود.

**– شما در آنجا به عنوان مجری و ارتباط دهنده حضور فعالی داشته اید این قدرت جذب را چگونه در آن سرزمین بکار بردید؟**

– من همیشه به یک مسئله فکر می کنم و آن مخاطب است. مخاطب چقدر می تواند پذیرش داشته باشد و به آن باور داشته باشد و آن را بپذیرد شما نمی توانید همیشه در یک قالب کلیشه ای و اتو کشیده باشید و از شخصیت حقیقی خودت فاصله بگیری بالاخره یک روز یک جایی دستت خط می خورد. مخاطب وقتی که بداند تو با او روراست نبودی او هیچ وقت با تو روراست نمی شود و مقابل تو گارد می گیرد من تمام زندگی ام، دغدغه های فرهنگی و هنری دیارم بوشهر بوده است من حتی در تحصیلاتم بعد از این که عمران خواندم چون به مسائل فرهنگی علاقه داشتم به سمت فعالیت های فرهنگی آمدم و از این کارم لذت می برم. مثلاً برای شما خیلی مقبول خواهد بود که شاهین بهرام نژاد یک برنامه فرهنگی اجرا کند تا یک برنامه صرفاً سیاسی را، اگر شاهین بهرام نژاد یک بازی فوتبال برای شما گزارش کند برایت خیلی پذیرش بهتری داشته تا این که ببینی شاهین بهرام نژاد کلام سیاسی روی برنامه را خوانده، پس من فکر می کنم که ماها باید جدای از شخصیت خودمان شخصیت رسانه ای خودمان را هم برای مخاطب تعریف کنیم. باید این قدر به دانش و آن چه که داریم می گوییم، آگاه باشیم و زوایای تاریک آن را روشن کنیم، آنگاه او می تواند تو را قبول کند و بپذیرد. می خواهم یک مثال بزنم آقای عادل فردوسی پور، جمله خودش است می گوید من آن قدر تند تند حرف می زنم خودم هم که گوش می کنم متوجه نمی شوم که چه گفته ام این قدر تند تند صحبت می کنم که بعضی وقت ها نه تنها حرف خورده می شود که کلمه هم خورده می شود اگر بخواهیم بگوییم فردوسی پور یک گوینده موفق نمی تواند باشد اما یک مجری بسیار حاذق و موفق است، چرا؟ چون دانش دارد و در حیطه ای که کار می کند یک قدم از مخاطبش جلوتر بود و من سعی کردم در هند از دانش خودم استفاده کنم و همین کار را برایم راحت تر کرد و احساس می کنم که موفق بودم تا با مخاطبان هندی ارتباط برقرار کنم.

**– مردم بمبئی چه مقدار با شهر بوشهر، گذشته آن و موقعیت جغرافیایی آن آشنایی داشتند؟**

– من سؤال شما را با یک سؤال پاسخ می دهم. آیا شما فکر می کنید اگر در ایران بگوییم بوشهر کجاست همه می دانند بوشهر کجاست؟ آیا تا حالا برای شما پیش نیامده وقتی که می گویند بوشهر سؤال می کنند که شما جزو استان خوزستانید یا متعلق به استان هرمزگان هستید. ببینید یک بخش عمده اش ناآگاهی جغرافیایی آنها می باشد و یک بخش دیگرش دست خود ماست که چقدر توانسته ایم بوشهر را معرفی کنیم که آری بوشهر جایی است در جنوب ایران زمین که پیشینه و تمدن او به دوره ایلامی می رسد، با چند هزار سال قدمت استانی با مرکز بندر بوشهر با شهرستان های دشتستان، تنگستان، جم، عسلویه، گناوه، کنگان، دیلم و دشتی، ما توانسته ایم بگوییم نه نتوانسته ایم خودمان را خوب معرفی کنیم من خودم همین چند وقت پیش از اخبار سراسری شنیدم گفت گوجه فرنگی خارج فصل در آبادان تولید می شود در صورتی که گوجه فرنگی در آبدان تولید می شود نتوانسته ایم آبدان را درست معرفی کنیم.

ما نتوانستیم استان مان را درست معرفی کنیم ما اگر خدابیامرز همایون شهنواز نرفته بود به خانه مرحوم رکن زاده آدمیت و کتاب سخن سرایان و بعدش هم قیام تنگستانی ها را ندیده بود به ذهنش خطور نکرده بود که فیلم دلیران تنگستان را بسازد آیا فکر می کنید رئیسعلی دلواری را مثل الان در جای جای ایران می شناختند؟ باید بپذیریم که نه همان طوری که الان زائر خضر خان اهرمی را نمی شناسند، همان طوری که الان خالو حسین بردخونی را نمی شناسند، همین طوری که الان فایز و مفتون را نمی شناسند. پس ما کم کاریم هنرمندان کم کار کرده اند. چگونه انتظار داریم و توقع داریم که در بمبئی، بوشهر را بشناسند. اجازه بدهید به موضوعی اشاره کنم در آنجا گفتگو کردم با خیلی از کسانی که آن جا حضور داشتند و گفتم بوشهر را می شناسید قاطع همه گفتند نه گفتم ایران را می شناسید برخی می شناختند بعد از اجرای برنامه همه هم ایران را می شناختند و هم بوشهر را می شناختند.

**– آقای بهرام نژاد در تفکرات شما فلسفه وجودی سفر هنرمندان بوشهر به بمبئی چه جایگاهی دارد؟**

– ببینید من این گونه به مسئله نگاه می کنم همیشه باید یک نفر چراغ اول را روشن کند. همین الان چقدر گروه موسیقی در بوشهر هست من می خواهم یادی کنم از مرحوم زنده یاد محمود جهان، خدا رحمتش کند محمود جهان اگر با تمام دشواریی هایی که داشت برای کار کردن نمی آمد یا الله یا خدا بده قوت به ما بخواند و یا ترانه های دیگر را معلوم نبود کی بیاد و چند سال بعد بیاد این چراغ را روشن کند. ولی محمود جهان این کار را کرد و گروههای دیگر آمدند و آن را ادامه دادند گروه های مختلف مثل گروه لیان، شبدیز و...

روز به روز بچه ها علاقه نشان دادند. عزیزی می گفت هادی ساعی در المپیک مدال طلا گرفت اگر در تابستان ما دویست تا شرکت کننده داشتیم به دو هزار نفر در یک تابستان رسید الان همان نسل ملی پوشان تکواندو هستند وقتی از آنها پرسیده می شود علت آن را طلای آقای هادی ساعی می دانند یعنی هادی ساعی زیرساخت های تکواندو ایران را با یک مدال طلا پایه گذاری کرد. شاید برای خیلی از گروه ها چراغ راهی باشد برای بهتر شدن، برای کامل تر شدن. شاید حضور هنرمندان در جشنواره های فرهنگی و هنری باعث شود تا جوانان هنرمند انگیزه پیدا کنند به عنوان مثال هنرمندی در فیلم سازی یک جایزه می گیرد بچه ها می روند کار او را ادامه می دهند، داریوش غریب زاده می رود جایزه بهترین مستند جشنواره فجر را می گیرد وقتی که او سیمرغ بلورین جشنواره فجر را می گیرد او اولین چراغ را برای بچه ها روشن می کند، ببینید متعاقب آن چقدر بچه ها به انجمن سینمای جوان بوشهر مراجعه می کنند، آمدند و گفتند می خواهیم فیلم کوتاه بسازیم. وقتی یک نفر مثل رامتین بالف مستندسازی که با مستند رودخانه های لیان می آید و دومین جایزه سیمرغ بلورین جشنواره فجر را دریافت می کند چقدر به مستندسازی اقبال می شود.

در عرصه های مختلف هم همین طور در موسیقی، در تئاتر همه این ها می تواند اتفاق بیفتد. شب های فرهنگی بوشهر در بمبئی به نظر من چراغی بود که روشن شد، کوچه ای بود که باز شد به بن بست منتهی نمی شود و ادامه دارد.

**– به نظر شما بازتاب این سفر در رسانه های استان چگونه بود؟**

– من انعکاس آن را ضعیف می بینم. ما در بوشهر این قدر غریب نواز هستیم اما هوای همدیگر را نداریم من تشکر می کنم از خیلی از دوستان خبرنگارم اسم می آورم مثل ایمان ندومی، آقای شهریاری واقعاً با علاقه خودشان این خبر را پوشش دادند ولی در زمانی که خیلی از خبرگزاری های خودمان و سایت ها این رویداد را پوشش نمی دادند از تهران زنگ می زدند بارها و بارها زنگ می زدند و می گفتند آقا گزارش کار بدهید ما می خواهیم این گزارش سفر را بزنیم و چاپ کنیم چرا باید این طور باشد که هوای همدیگر را نداشته باشیم؟ من تشکر می کنم از دوستان در هفته نامه ها و سایت ها که همیشه هوای برنامه های فرهنگی را دارند ولی آن اقبالی که باید از ما نشان ندادند. شاید یک گروهی دیگر می رفت بهتر به آن می پرداختند ولی شبکه ۳ سیما هفت دقیقه زمان خودش را به این مسئله اختصاص داد و آن را پخش کرد. من فکر می کنم ماجرا از یک سوءتفاهم شروع شد در این سفر یک خانمی، خانم رادمهر با هزینه خودش آمد شش و نیم میلیون هزینه کرد چرا چون دغدغه فرهنگی داشت.

خود من چند میلیون از جیب خودم هزینه کردم، آقای ادریس عبدی پور فراخوان داد به همه اعلام کرد هر که می خواهد بیایید قدمش بر روی چشم ولی هزینه اش را باید پرداخت کند. ادریس عبدی پور فقط توانست هزینه یازده نفر را بپردازد مابقی هزینه ها را خودشان پرداخت کردند، خودشان پول پرواز، پول خورد و خوراکشان را دادند. اگر جریان غیر از این بود که ما همه ی خانه مطبوعات را با خودمان می بردیم ولی اصلاً این طور نبود. دوستان گفتند چرا یک خبرنگار تهرانی آمده؟ ماجرا از این قرار بود که عرض کردم به فرض این که این اتفاق درست بود آیا این اتفاق این قدر بزرگ بود که شما نخواهید آن را پوشش بدهید؟ شما می توانستید گلایه کنید، حتماً باید مسئله ای برای خودمان اتفاق بیفتد که بیاییم آن را بازتاب بدهیم. من پیشنهادم این است که به این مسئله نپردازیم و مثل یک تابلو زیباست که بخواهیم قسمتی از آن را که خراب شده است پاک کنیم و اثر آن می ماند و از زیبایی تابلو کم می کند واقعاً تشکر می کنم و از همه ی دوستان رسانه ای بدون هیچ گونه چشم داشتی یار و یاور این گروه بودند و آن را پوشش دادند.

**– در مورد برنامه هایی که در بوشهر اجرا می کنید مقداری توضیح دهید؟**

– موضوع اصلی این برنامه ها فرهنگ بوشهر است، برنامه رادیویی گنجینه خلیج فارس و برنامه شونشینی. من در برنامه گنجینه خلیج فارس علاقه بسیار زیادی به این برنامه دارم، من خودم را فرزند این برنامه می دانم آن چه را که آموخته ام از زبان پدربزرگ ها و مادربزرگ ها به قول خودمان بی بی ها و با پیرهایی که چقدر زیبا تاریخ شفاهی و ادبیات شفاهی و رسوم سنتی ما را در تماس های تلفنی و مصاحبه و گزارش ها بازگو می کنند. آنها را می آورم و در ادبیات رسانه و در برنامه شونشینی آن را مطرح می کنم و مخاطب برنامه شونشینی یک مخاطب عام است یعنی از مادربزرگ ها و پدربزرگ ها گرفته که شاید سواد خواندن و نوشتن ندارند ولی شاید درک بسیار بالایی دارند تا یک عزیز بزرگواری که از فرهیختگان ما می تواند باشد مثل یک استاد دانشگاه، مثل یک پژوهشگر، مثل یک هنرمند با ارزش، زبان معیاری که شما انتخاب می کنید که بتواند این را انتقال دهیم چه بسا خیلی از بینندگان دانش شان از ما بیشتر باشد باید با با آنها به گونه ای تعامل داشته باشیم تا خدای ناکرده یک بار یک نفر احساس نکند که شما دارید فضل فروشی می کنید. بی اختیار وقتی که نام این برنامه شونشینی است می رود به این سمت و سو که این فرهنگ دورهم نشستن ها و روایت کردن از ادبیات خودمان، شاهنامه خوانی، نظامی خوانی، مثنوی خوانی وقتی که یک هنرمند دعوت می شود و یکی از این ها را ارائه می دهد دور هم می نشینیم و هر کسی زندگی خود را از نگاه خودش براساس موضوع برنامه، خواه ناخواه شاید خیلی مستقیم اشاره نکند که شونشینی خوب است اما در زیر متن خود این فرهنگ شونشینی و کنار هم بودن را اشاره می کند. یکی از این بخش ها گل گشت است که ما در این برنامه به روستاها سر می زنیم و مردم دور هم جمع می شوند می دانید که در روستاها خیلی از فرهنگ ها بکر مانده است. مردم وقتی در روستا به شما بفرما می گویند و در خانه هایشان را باز می کنند و شما احساس می کنید در دلش را به روی شما باز کرده و شما ذره ای ریا را نمی بینید و تعارف بی جا در تعارف یک روستایی نمی بینید وقتی می گوید بیا سر سفرم بنشین همان نان توه ای که خوراک ساده ای است جلویت می گذارد تمام داراییش می باشد و این که به دلت می چسبد و لذت می بری.

**– جناب بهرام نژاد اگر موضوعی هست که مطرح نشده، با خوانندگان مان در میان بگذارید؟**

– من معتقدم باید قدر داشته هایمان را بدانیم تا ایرج صغیری هست که عمرش طولانی باشد قدرش را بدانیم تا احمد آرام هست قدرش را بدانیم، تا احسان عبدی پور هست، تا داریوش غریب زاده هست تا این هنرمندان هستند قدرشان را بدانیم. کسانی که بی دغدغه تمام زندگی شان را برای این مسائل گذاشتند. مگر شما برای این که این برنامه گفتگوها انجام شود من چقدر شرمنده شما شدم، مگر شما چه سودی می خواهید از این قضیه ببرید چند تا مثل شما و مثل عبدالکریم نیسنی می توانیم داشته باشیم که تمام زندگیش را برای مطبوعات گذاشته؟ مگر ما در زندگی مان چی داریم؟ همدیگر را نگاه کنیم. حالا که این طوری است ما باید قدر انسان هایی که دارند برای فرهنگ و هنر این شهر کار می کنند بدانیم. شما وضع زندگی ایرج صغیری را ببینید پدر تئاتر آیینی ایران فکر می کنم باید یک خورده هوای دل همدیگر را داشته باشیم دل خوش به بودن همدیگر داشته باشیم و یک جایی باید تمام شود این کار، که زیر پای همدیگر را خالی کنیم اگر من فردا ببینم داریوش غریب زاده به یک موفقیت رسیده آقای رزمی به یک موفقیت می رسد ترکش های این موفقیت هم به من می خورد و می شود یک مدال زرین روی سینه من، من هر کدام از هنرمندان استانم که موفق می شوند اول به خودم تبریک می گویم و به خودم می گویم که تو سرت را بلند کن من همین الان که به تهران می روم می گویند گزارشگر بوشهری همان شهری که مهدی طارمی دارد همان شهری که حسین ماهینی دارد همان شهری که مهدی قائدی دارد، دانیال ماهینی را دارد و این ها سفیران ما در عرصه ملی می شوند. قشنگیش برای من است که سرم را بالا می گیرم یا این که من از شهری باشم که هیچ قهرمانی نداشته باشد. ما با چهره های فرهنگی و هنری شهرمان چه کرده ایم. هنرمند مؤلف صاحب امضاء است مگر ما مثل احمد رزمی طلای سیاه، پله فوتبال ایران را چند تا داریم آیا خبر داریم که در دویره زندگی می کند و چگونه روزگار را به سختی سپری می کند؟ برای او چه کار کرده ایم تا هستند باید قدرشان را بدانند و این یعنی فرهنگ سازی ما باید در این مسیر قدم برداریم.

### بهرام نژاد از منظر خود و دیگران

آنچه که مرا واداشت تا در پایان این گفتگو این سطور را به نگارش درآورم قطعاً خود شاهین بهرام نژاد نیست، بلکه جنبه تأثیرگذار او بر مخاطبین عام و خاص است. آن هم از نگاه بزرگان و هنرمندان شناخته شده عرصه های علمی، فرهنگی، اجتماعی که در مورد این هنرمند ارزشمند و خوش بیان است به گفته خودش؛ او می خواهد خودش باشد، نه مقلد. او می خواهد فقط شاهین بهرام نژاد باشد و این خیلی خوب است که اگر بخواهی خودت باشی مانا خواهی شد و می شوی منوچهر آتشی، بهمنش همان طور که خودش می گوید: سعی دارم خودم باشم.

این بخشی از نگاه بزرگان و هنرمندان شناخته شده عرصه فرهنگی در مورد این چهره ارزشمند و شیرین سخن است، کسی که هنوز هم مجلات کیهان بچه های دوران کودکی خود را به خوبی حفظ و نگه داری کرده است پس او عمیقاً دوست دار دانایی است. بهرام نژاد بیش از آن که پیرو و مقلد کسی باشد مبدع و خلاق است او به خوبی می داند که چه می کند.

**استاد ایرج صغیری:** آقای بهرام نژاد، شاهین دشت گویندگی و مدیریت برنامه در بوشهر است. شاهین یک خودساختگی هوشیارانه را پایه قرار داد، تا بر سکوی سخن دل گفتن را همگانی کند.

**دکتر سیدجعفر حمیدی استاد دانشگاه:** آقای بهرام نژاد یک نابغه فرهنگی، علمی و هنری است در صحنه که وارد می شود موفق است و به ویژه صحنه های گفتاری و برنامه پردازی او یک هنرمند موفق است که به زبان و ادبیات فارسی و هنرهای مختلف مسلط است.

**مرحوم بهرام شفیع مجری توانمند برنامه ورزش و مردم:** من گزارش آقای بهرام نژاد را دیدم از تن صدایش و بیانش خیلی خوشم آمد، ما را به یاد صدای مجید وارث خودمان می اندازد که سال ها استادی بنده را داشت و گزارشگر بسیار خوبی است.

**عبدالرحمن برزگر رییس انجمن سینمای جوان بوشهر:** من می توانم به صراحت بگویم شاهین هنرمندی است برای تمام فصول.

**دکتر منوچهر بایندری نویسنده و شاعر:** آقای بهرام نژاد در صداوسیما تنها گوینده و مجری نیستند بلکه یک دایره المعارف یا لغت نامه ناطق در فرهنگ و آیین ها و رسوم استان بوشهر به شمار می روند در کنار این علم و آگاهی و دانش، تواضع و صمیمیت، همدلی، همراهی و هم قدمی با دوستانی که با آنها کار می کند از ایشان یک شخصیت ویژه و منحصر به فرد ساخته است.

**شاهرخ سروری:** او را یک رسانه شش دانگ معرفی کرده است.

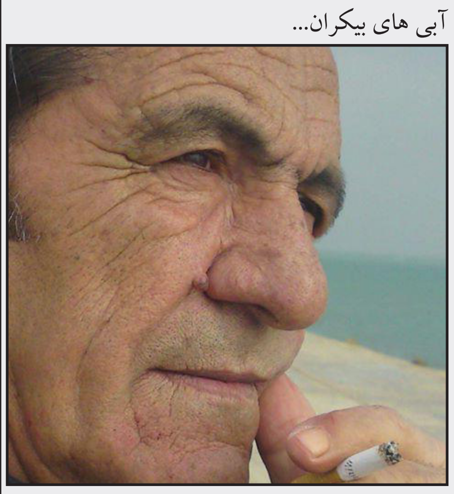
**محسن شریفیان موسیقیدان:** از او به عنوان ناجی نام می برم تا مجری.

## تا فراسوترین تخیل شاعر
### در سوگ ناخدا غلامرضا محمودی شاعر

بابک شاکر



جامعه ادبی و دریانوردی بوشهر به سوگ یکی از بزرگان خود نشست. کاپیتان غلامرضا محمودی شاعر، نویسنده، فعال فرهنگی و دریانورد به غایت سفر کرد. غلامرضا محمودی استادی بی بدیل و بی ادعا، شاعری با نبوغ ذاتی در سرایش و دارای مسئولیت و انسانی با درک مفهوم انسانیت او که بوی غیرت شعر از شرجی جنوب می داد و در کنار امواج آرام دریای پارس ناخدای امیدوار نشسته در انتظار کشتی امید به ساحل بود، کلمات او به دریای آبی راه داشت، با تمام امواج ناموافقش، با تمام ساحل ناپیدایش، اما رفت و شروه سر داد از نای دل که سرودن حق نفس هایش بود... غلامرضا محمودی، دریادل شعر بوشهر بود. مردی با اصالتی به رنگ دریا، آبی شبیه امواج، قرمز شبیه آتش و گرما. وقتی به شعرهایش می نگرم انگار هنوز آرمان معنا دارد، هنوز شعر خروش خود را در میان اعماق آبهای خروشان نامردمی ها، نامرادی ها حضور دارد... او در کلمه بیدار شد... خسته بود اما شاد از آبی های بیکران...



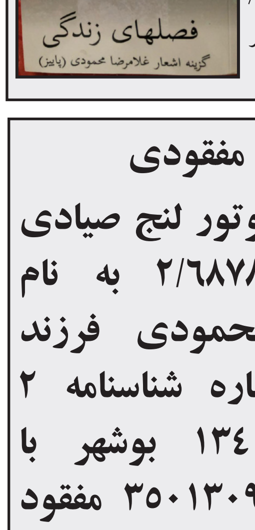
به گل نشستی آخر/ ای نهنگ پیر/ که دریا/ به پیشواز تو دامن بر می کشید/ و چون باز می آمدی/ به مشایعتت/ تا بلندای صخره ها می خزید /اینک/ ستاره یی کم سو و کم رمق/ فانوس انتظارش را/ در رهگذار باد آویخته است.

وقتی به او فکر می کنم، یادم می آید به نسلی که شباهتش به خورشید بود تا شمع های رو به باد... یادم می آید هنوز می شود امید داشت، معلم داشت، حرکت داشت و خون هنوز جوشش دارد درون رگهایی که غیرت را ترنم می کند...

آزادی/تا فراسوترین تخیل شاعر/سروده می شود/ و زمستان /برکشته ها کفن می پوشد...

غلامرضا محمودی جزء معدود شاعرانی ست که در شعر جنوب ایران به زبان و نبوغ خویش وفادار ماند، ذات شاعری نگذاشت او آلوده ژانرهای عقیم و زبانهای عاری از ادبیات درآید و با همان همتی که کشتی ها را به ساحل می رساند، با همان حمیت شعر می سرود و کنج خلوت خویش می گذارد و افسوسش را برای ما که چرا تنها و تنها یک مجموعه از او به نام "فصلهای زندگی" با مقدمه مرتضی محمودی نویسنده و برادر شاعر مقیم سوئد منتشر شود و همت او بود که باعث انتشار این اثر شود، تا شعرهای او را بیشتر ببینیم و بخوانیم. هر چند این گمنامی هزاران بار ارزشش بیشتر از نام های تهی و خالی از ادبیات شعر امروز می باشد.

وقتی سپیده دم/ کم‌کم/ آستینش را بالا می‌زند/ و نارنج دیگری/ از گریبان شب بر می‌دارد/ و به هوا پرت می‌کند/ ماه نقره‌یی/ مثل نخستین سکه/ در جیب‌های کودکی‌ام گم می‌شود/ و آینه/ با نگاه معنی داری می‌گوید:/ نشناختمت-/-چقدر پیر شده‌ای!



# «آگـــــهی مـــــــزایده» بانک صادرات بوشهر

## لیست املاک مزایده استانی ۹۷/۵

| ردیف | شناسه | آدرس ملک | پلاک ثبتی | نوع ملک | کاربری | عرصه (مترمربع) | اعیانی (مترمربع) | قیمت پایه (به ریال) | سپرده تودیعی جهت شرکت درمزایده (به ریال) | وضعیت ملک |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۵۶۶۸ | اهرم – روستای بنه گز(تالار پاسارگاد) | ۱۵۰۱/۲۷۰ | تالار پذیرائی | رفاهی | ۵۲۷۰/۴ | ۱۸۲۸ | ۱۷/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۵۳۵/۲۵۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| | | | | | | | | ۵۲/۰۰۰/۰۰۰ | ۲/۶۰۰/۰۰۰ | اجاره با وضع موجود |
| ۲ | ۵۷۰۶ | کنگان – روستای برکه چوپان | ۴/۲۳۸ | زمین | مسکونی | ۷۱۳/۴۰ | ......... | ۱/۱۴۱/۴۴۰/۰۰۰ | ۵۷/۰۷۲/۰۰۰ | فروش باوضع موجودازلحاظ اسناد و مدارک مالکیت |
| ۳ | ۷۵۶۳ | بندردیر- خیابان شهید بهشتی – محله شهیدعمرانی | ۲۰۸۲/۴۱ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۰ | ۱۸۰ | ۲/۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۲۴/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۴ | ۶۵۰۶ | بوشهر – عالیشهر- خیابان فرهنگ – جنب دفترمخابرات | ۳۷۶۸/۲۴۲۰ | ساختمان | آموزشی | ۱۵۰۱/۵ | ۴۴۲ | ۷/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۳۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۵ | ۶۵۰۷ | دیر – بلوارحجاب – بعدازتقاطع شهید خالدی | ۲۰۶۵/۲۱ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۰ | ساختمان نیمه کاره | ۲/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۱۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد و مدارک مالکیت |
| ۶ | ۶۵۰۵ | دیر – بلوارحجاب – بعدازتقاطع شهید خالدی | ۲۰۶۵/۲۳ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۰ | ساختمان نیمه کاره | ۱/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۹۷/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد و مدارک مالکیت |
| ۷ | ۵۶۸۰ | بندرریگ – چهارروستایی – جنب اداره پست | عادی | زمین | مسکونی | ۲۳۴ | ۰ | ۱۹۸/۰۰۰/۰۰۰ | ۹/۹۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد و مدارک مالکیت |
| ۸ | ۱۷۲۴ | برازجان – انتهای خیابان طالقانی- شعبه سابق بانک صادرات | ۷۴۲۷/۳۲ | ساختمان | تجاری | ۲۶۲ | ۲۴۰ | ۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۹ | ۱۹۸۲ | دیر- محله شهید صدوقی | ۱۷۰۹/۷۱ | ساختمان | مسکونی | ۳۲۴ | ۲۱۶ | ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۰ | ۱۹۹۵ | تنگ ارم – بر جنوب رودخانه | ۷۴۰۲/۸۱۴ | ساختمان | مسکونی | ۱۰۱۷ | ۱۵۰ | ۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۷/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۱۱ | ۱۹۹۶ | تنگ ارم – بر جنوب رودخانه | ۷۴۰۲/۳۲۱ | ساختمان | مسکونی | ۶۵۶ | ۱۶۰ | ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۷/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۱۲ | ۱۶۹۲ | بوشهر- خیابان شهید عاشوری ( شعبه سابق شهید عاشوری ) | ۴۹۰/۲ | ساختمان | اری – مسکو | ۳۹۷/۶۰ | ۳۲۰ | ۴۹/۹۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۹۹/۵۵۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، پایانکاردارد |
| ۱۳ | ۷۵۶۲ | بوشهر – میدان انقلاب – خیابان لیان – پاساژ میلاد | ۲۵۵۳/۴۴ | مغازه | تجاری | ۱۵/۷۶ | ۱۵/۷۶ | ۴/۲۵۵/۲۰۰/۰۰۰ | ۲۱۲/۷۶۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۴ | ۷۵۲۸ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۴۱ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۵ | ۷۵۳۰ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۴۲ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۶ | ۷۵۳۴ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۴۵ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۵/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۷ | ۷۵۳۵ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۴۶ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۵/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۸ | ۷۵۴۲ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۴۹ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۵/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۱۹ | ۷۵۴۳ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۵۰ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۸۴/۸ | ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۵/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۲۰ | ۶۳۵۶ | برازجان – علی آباد | ۲۰۱۱/۴۷ | ساختمان | مسکونی | ۱۸۴/۴ | ۱۱۶ | ۳۷۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۸/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۲۱ | ۷۵۴۷ | خورموج – خیابان شهیدمطهری – مجتمع مسکونی | ۲۸/۵۲ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۹۱/۴ | ۵۹۵/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۹/۷۵۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۲۲ | ۶۳۵۷ | اهرم – سه راه عالی حسینی | ۱۰۲۶/۳ | شرکت | صنعتی | ۶۲۵۰۰ | ۲۶۷۹ | ۱۰/۷۶۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۵۰۳/۸۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| | | | .......... | .......... | .......... | اموال | | ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | اموال مستعمل تعیین شده فروش با وضع موجود |
| ۲۳ | ۸۱۱۴ | شهرک صنعتی بنه گز | ۱۵۰۱/۱۵۴۹ | شرکت | صنعتی | ۱۱۶۰/۱ | ۴۰۲ | ۲/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۲۴ | ۶۳۵۲ | دلوار – روستای محمد عامری | ۲۴۵۶/۷۳۴ | ساختمان | مسکونی | ۸۰۷/۴۶ | ۱۱۰ | ۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۳۲/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۲۵ | ۱۹۰۶ | خورموج – انتهای خیابان معلم | ۲۲۴۷/۳۷۱ | ساختمان | مسکونی | ۲۷۰/۳۱ | ۱۳۰ | ۸۷۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۳/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۲۶ | ۱۸۹۹ | دیر – خیابان شهید شهریاری | ۲۱۰۴/۷۵ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۱ | ۱۸۹ | ۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۲۷ | ۱۸۸۱ | دلوار – روستای گاهی | ۲۴۶۱/۶۵ | ساختمان | مسکونی | ۱۵۹۸ | ۲۹۷ | ۸۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۴/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۲۸ | ۵۶۷۲ | خورموج – روستای محمدآباد | عادی | شرکت | صنعتی | ۲۵۵۰ | ۷۱۰ | ۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، عرصه متعلق به منابع طبیعی |
| ۲۹ | ۸۳۰۰ | برازجان – خیابان فرهنگیان | ۳۳۴۹/۷ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۰ | ۱۲۰ | ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۰ | ۸۸۶۷ | ریز – کوجه شهید بیابانی | ۲۲۲۸/۳۷۴ | ساختمان | مسکونی | ۶۶۳/۸۵ | ۱۵۰ | ۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۳/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۱ | ۸۸۶۴ | جم – شهر انارستان | ۲۲۳۴/۲۷۴ | ساختمان | مسکونی | ۴۰۲/۲۶ | ۱۴۵ | ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۵۲/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۲ | ۸۸۶۶ | جم – شهر انارستان | ۲۲۳۴/۲۷۵ | ساختمان | مسکونی | ۲۸۲/۱۱ | ..... | ۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۳ | ۸۸۶۵ | جم – شهر انارستان | ۲۲۳۴/۲۴۶ | ساختمان | مسکونی | ۳۷۸/۶۹ | ..... | ۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۵۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۴ | ۸۷۹۵ | بندر ریگ – شهرک صنعتی ( شیمی صنعت سبز گناوه ) | ۹۱۲/۱۵۸ | شرکت | صنعتی | ۲۴۵۵/۸۷ | ۱۶۵۰ | ۱۵/۷۲۸/۰۵۴/۵۰۰ | ۵۲۸/۶۴۰/۲۷۳ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| | ۸۳۱۱ | | ۹۱۲/۱۶۰ | | | ۱۹۶۰ | ....... | | | |
| ۳۵ | ۶۵۰۹ | اهرم – روستای شورکی ( آب معدنی جزیره آبی ) | ۱۴۹۶/۵۹۹ | شرکت | صنعتی | ۱۰۰۰۰ | ۲۰۲۲ | ۱۸/۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۵۴۱/۶۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار |
| ۳۶ | ۹۲۹۳ | برازجان – خیابان جایگاه نماز جمعه | ۱۳۰۸/۳۸ | مغازه | تجاری | ۲۴/۹۰ | ۲۴/۹۰ | ۲/۰۲۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۰۱/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۷ | ۹۲۹۲ | برازجان – خیابان جایگاه نماز جمعه کوچه مهدیه | ۱۳۰۸/۴۲ | ساختمان | مسکونی | ۱۵۳/۹ | ۲۴۰ | ۱/۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۸۶/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۸ | ۸۳۰۶ | وحدتیه – بلوار آزادی – خیابان پاسداران | ۲۸۵۰/۴۵۴ | ساختمان | مسکونی | ۹۹۵/۵ | ۵۱۳ | ۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۰۵/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۳۹ | ۸۲۸۶ | برازجان – کوی کارگر | ۳۳۳۵/۲۱۹۵ | ساختمان | مسکونی | ۲۳۶/۸۷ | ۱۸۷/۳۰ | ۱/۷۲۷/۴۴۰/۰۰۰ | ۸۶/۳۷۲/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۴۱ | ۱۸۶۵ | برازجان – خیابان ابوذر – کوچه شهید حسین رحیمی | ۱۹۷۳/۲۵ | ساختمان | مسکونی | ۳۹۵/۵ | ۱۶۰ | ۸۳۰/۳۷۰/۰۰۰ | ۴۱/۵۱۸/۵۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۴۲ | ۸۲۹۶ | دیلم – خ معراج – کوچه شهید امیریان | ۷۳۵/۷۸۸ | ساختمان | مسکونی | ۳۰۰ | فاقد ارزش | ۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۷/۵۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۴۳ | ۱۹۰۴ | بخش ساحلی – روستای عامری | ۲۴۶۳/۲۵۳ | ساختمان | مسکونی | ۱۴۵۲ | ۲۰۰ | ۸۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۴/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۴۴ | ۶۵۰۳ | برازجان – ۶۹ هکتاری | ۳۳۳۵/۳۲۷۸ | ساختمان | مسکونی | ۱۷۳ | ۱۲۰ | ۹۸۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۹/۰۰۰/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |
| ۴۵ | ۸۸۸۶ | بوشهر- خیابان بهشت صادق- کوچه فردوس ۱۰ (بهارستان) | ۳۲۰۰/۱۲۳ | آپارتمان | مسکونی | قدرالسهم | ۱۲۳/۵ | ۲/۳۴۶/۵۰۰/۰۰۰ | ۱۱۷/۳۲۵/۰۰۰ | فروش باوضع موجوداز لحاظ اسناد ، مدارک مالکیت و مساحت اعیانی ، فاقدپایانکار، دارای متصرف ، تخلیه با خریدار |

### مسافر فوتبال (۷)

# همه چیز ماسمالی کردند که شاهین نرود جام تخت جمشید

## خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر



هنوز هوا از گرمی نیوفتاده بود و کمتر کسی از خونه میومد بیرون، ولی فرصتی شد که چند تا تیکه لباس که لازم داشتم از مغازه رحمان بردارم، یه پولیور بایفرد انگلیسی و دوتا بلوز مانتیگل یکی سرمه ای و یکی زرشکی و یه شیشه ادکلن آرامیس فرانسوی و کمی خرت و پرتای دیگه که لازم داشتم، همه را جا کردم تو ساک دستیمو خریدم تمام شد، آفتاب داشت غروب می‌کرد. چراغای خیابان که به لِین شهرداری مشهور بود یک در میون روشن شدن و چند تاشون هم مرتب چشمک می زدند، انگار نفس های آخرشون بود، و مغازه ها هم چراغاشون روشن کرده بودند؛ حالا دیگه با غروب آفتاب هوا از التهاب افتاده بود و مردم کم کم از خونه هاشونِ زده بودن بیرون و حال و هوای ششم بهمن کاملاً پر جنب و جوش شده بود، یه ماشین ژیان زرد که یواش داشت حرکت می کرد و شخصی با بلندگوی دستی داشت یه فیلم سینمایی که در سینما فانوس به اکران گذاشته بودند را معرفی می‌کرد، فیلم پرستوها به لانه باز می گردن، ساخته مجید محسنی را تبلیغ می‌کردند، من و رحمان رهجو هنوز داشتیم تو لوازم آرایش‌هایی که از کویت آورده بود می گشتیم که شاید چند تا اشانتیون کوچیک توجیبی جدا کنم و برای خودم بردارم.

یهو کریم گوریک از او طرف خیابون همین طور که رو زین موتور هفتاد قرمز رنگش نشسته بود، با صدای همیشه بلندش گفت حبیب سیبیل کجاججججا بیدی؟ بچه کوکات کیک (شوت) زد که تور پارررررره شد!

حبیب سیبیل که سوار دوچرخه رایلی باریک تک فرامش که مشتی زلم زیمبو تزئینی وسط اسپاک رینگهای تایر نازکش می چرخید و بالا و پایین می رفت همونجا وسط خیابون ترمز کرد و کلاه انتونی کوینی سفید حصیری که یه روبان شتری رنگ هم دور نقابش داشت، از سرش برداشت و جواب گوریک داد و گفت از دست ای جاندارای (ژاندارمهای) فلان فلان شده، ۱۸ ساعت تو نمره ۴ (اولین ایست بازرسی کشتی هایی که از کشورهای عربی همسایه می آمدند و بازرسی می شدند) نگرمون داشتن، همش زیر سر گروهبان معصومی بود، از زمان جهاز ناکو که غرق شد با مو لج کرده، به خدا همی الان از گمرک دراومدوم!

حبیب سیبیل عموی من بود، اما سیبیلش کلفت نبود که بهش حبیب سیبیل می گفتن؛ برعکس سیبیلی داشت به باریکی یه چوب کبریت و به درازی فقط دوتا سوراخ دماغش که به زور می شد ببینی که پشت لبش چسبیده؛ شاید بخاطر همین سیبیل خاصش مشهور شده بود به حبیب سیبیل!

به هر حال فوراً رفتم پیشش و سلام کردم و کمی حرف زدیم و براش از رفتنم به تهرون و اتفاقات بازی و گل زدنم، تعریف کردم عامو حبیب که خیلی خوشحال شده بود رو به کریم گوریک کرد و با صدای بلندش داد زد؛ شیر شکر، شکری بالا، جوان دومن، شاهین بالا، و با خنده از دوچرخه اش پیاده شد و گفت بیا با من بریم تو پاساژ خرمایی ها و تو مغازه حاج اسمیل قابک (شکری) کمی جنس دارم و توشون بگرد اگه چیزی دوست داشتی وردار با خودت ببر تهرون، شاید لازمت بشه، فرمون دوچرخه شو با یه دستش گرفت و با هم پیاده راه افتادیم و رفتیم به طرف فلکه شیشم بهمن، یا همون دروازه قدیمی شهر. در مسیرمون به افراد مختلف بر می خوردیم و سلام می دادیم، از اون طرف خیابون و برعکس مسیر ما اسمیل سرخو که مرد لاغر اندام و کوتاه قدی بود و صورت سفید با موهای بور و حنایی کوتاه، خیلی تند و با عجله داشت می رفت و ما را که دید، داد زد شیر حبیب سیبیل، سفر خوب بید؟ جوابش داد، برو برو اسمت دیگه نمیارم، او هم سرجاش وایساد و گفت، مِی چه شده؟ و همینکه خواست بیاد طرفمون، عامو حبیب گفت نیو پیشم برو، برو که شناختمت!

اسمیل سرخو گفت خو بگو چه شده؟ عامو حبیب گفت صُبا، صُبا بیو دم دکون حسنو خِیط، تا سیت بگم، و به راه مون ادامه دادیم، رسیدیم سر فلکه، از سمت چپ میدون رفتیم.

سر فلکه؛ دلو درویشی و برادرش ماشالله و آقای بن شمس و درخشانیان وایساده بودن، همین که ما را دیدن دلو صدا زد به به حبیب سیبیل مردی! زنده باشی کی اومدی و راه افتاد اومد طرف ما و همزمان اون سه نفر هم به عامو حبیب سلام دادند، دلو و عامو حبیب در مورد جنسایی که تو گمرک داشتند حرف می زدند و منم هی این پا اون پا می کردم که بهشون علامتی بدم که باید برم، یهو دلو رو به من گفت حبیب مردن، تنها رفیق دلوون، حبیب هم ادامه داد؛ دلو بدون حبیب سیبیل؛ دلو نَمیشه؛ اصلن بدون حبیب، دلو؛ دلو نمیشه! ولی حیف که حبیب شاهینِن و دلو ایرانجوانی!

عامو حبیب گفت دلو دارُم میرم طرف پاساژ تا نبستن، صبا می بینمت.

به راهمون ادامه دادیم و از بغل مغازه کماچ فروشی رد می شدیم که بوی کماچ گرم و شکر برشته رو کماچ دل هر آدم سیری رو به هوس مینداخت، کمی پائین تر صف نونوایی حاج پولاد درازتر از روزای قبل شده بود و شاطر هم همراه با رقص شاطری؛ تند و تند چونه خمیر رو پهن می کرد و مینداختش رو جللت؛ بعد تا کمر خم می‌شد و جللت رو محکم می کوبید به دیواره های تنور و چند دقیقه ی بعد نون برشته و معطر رو مش حسن با انبری که سر دوشاخَش پهن شده بود ماهرانه سه تاسه تا از تنور می کشید بیرون و مینداختش رو میزی که مشتریا دورش منتظر ایستاده بودن؛ حاج پولاد هم یه شلوار مشکی گشاد پاش کرده بود که نمیشد دوتا پاشو از هم تشخیص بدی و یه پیرهن سفید آرسترِ بلند هم رو شلوارش انداخته بود که چاقی شکمَش قایم کرده باشه، بوی خوش نون گرم تازه تو فضا پیچیده بود. حاج پولاد همین که مارو دید و تعارف کرد؛ عامو حبیب دستشو بالا برد و گفت حاجی خدا قوت (قوتت بده) و اونم جواب داد، خوش اومیدن.

از اینجا هم گذشتیم و من داشتم سریعتر راه می رفتم که زودتر کارم تموم بشه و برم ولی جرأت نمی کردم چیزی به عامو حبیب بگم، چند تا مغازه دیگه مونده بود که برسیم به پاساژ، مغازه فالوده فروشی بزرگ حیدرک (آقای طالبی) سمت چپمون بود و صدای گارسونش لفو تا تو خیابون به گوش می رسید، سه تا فالوده با آبلیمو و دوتا آب هویج، آقا مال کی بود؟ و دنبال مشتریش میگشت که بهش بده، حیدرک هم تند و تند داشت دم دخل مغازه پول از مشتریا می گرفت و با لهجه کازرونی غلیظی داد میزد لفووو(لطف الله) دوتا فالوده و یه مخلوط بده میز ۵.

کمی بالاتر پریموس سید پوکورایی روشن بود که ماهیتابه سیاه سوخته بزرگی روش جیز و جیز می کرد و پوکوراها توش سرخ می شدند؛ بوی تند زردچوبه و فلفل و پیاز همراه با بخار زیاد از زیر نور چراغ پمپی به هوا می رفت و عابرا رو فراری می داد! رسیدیم دم پاساژ خرمایی، عامو حبیب با دو دستش دوچرخه اش رو بلند کرد و از لبه پیاده رو بالا برد؛ وارد محوطه باز پاساژ شدیم، اولین مغازه سمت چپ مغازه حسن خیط (برادر ماشاالله ملاح) بود که خیلی زود بعد از سلام و احوالپرسی با عامو حبیب قرار گذاشت فردا همدیگر را ببینند، و مغازه بغلیش متعلق به کل نجف سیاوشی بود که پسر بزرگش ماشالله فروشندگیش را برعهده داشت و اون روبرو سمت راست پاساژ هم حاج محسن براتی بغل مغازه اسمیل قابک (شکری) بود و جایی بود که باید می رفتیم، کمی پایین تر هم مغازه ماشاالله محبی بود که بعدازظهرها باز بود و روزها تو اداره بهداری و بیمارستان کار می‌کرد و کارش فقط واکسیناسیون بود و گاه گاهی هم بطور خصوصی بچه ها را ختنه می کرد، و کمتر کسی تو بوشهر می‌شد پیدا کنی که ماشاالله محبی آمپول تو دمبه اش نزده باشه، و شکل و شمایلی هم مثل هنرپیشه امریکایی سریال تلویزیونی کانُن، ویلیام کانراد داشت و مشهور شده بود به آقای کانن، عامو حبیب با خنده و بلند به زبان انگلیسی گفت: هلو مستر کانون، و ماشاالله محبی هم جوابش داد، حبیب اگه گیروم بیفتی دوتا سوزن رو دوتا دمبه هات بزنم که تا یکماه نتونی رو کنی، حبیبم زد زیر خنده و رفتیم، خلاصه رسیدیم در مغازه حاج اسمیل و بعد از سلام و احوالپرسی، منو عامو حبیب برد تو پستوی کوچیکی که پشت مغازه داشت و یک عالمه تیشرت و پلیور و شلوار رانگلر نشونمون داد و گفت هر چی میخوای وردار و خودش رفت به مشتریاش برسه...

همه جنس های مغازه حاج اسماعیل شکری (قابک) میدِن انگلند (ساخت انگلیس) بود و دو تا بایفورد یَقه گرد و دو تا زیر پیرهن کاپتان و یه دمپایی لای انگشتی که به نعلین گِتری (دمپایی که از قطر می آوردند) معروف بود، از تو جنساش برداشتم، رفتم که پولشو پرداخت کنم، حاج اسماعیل شکری با نگاه تحکم آمیزی گفت خجالت بکش، برو عامو پی کارِتا! از تو پیل بگیرُم؟ میخوای صُبا کل سِکینه و بچه هام از خونه درم کنن؟ برو عزیزوم مبارکت باشه!

عامو حبیب زیر بغلم گرفت و هُلم داد و گفت بزن بریم، دست حاجی پس نزن!

ما هم گوش کردیم و پس از خداحافظی از مغازه زدیم بیرون، داشتیم مجدداً برمی گشتیم بطرف ششم بهمن، تو راه عامو حبیب برام تعریف می‌کرد که همه جنساش که از بحرین آورده هنوز تو گمرکه، و وسایل ورزشی هم داره تو جنساش، یهو شروع کرد به فحش دادن به گروهبان معصومی بازرس نمره ۴ که دیشو خیلی معطلشون کرده بود، می گفت که با مو لج کرده و خیلی اذیتم می کنه تو گمرک، ولی یه بار هم البته یه کار خیری در حقم کرد، اون سال که جهاز کل محمد بلکامه، ناکو (لنج بزرگ چوبی) غرق شد، مو و ماشاالله خراز کارت جاشویی (ملوانی) نداشتیم و می خواستیم قاچاقی با ناکو بریم بحرین، رفتیم تو خن و پشت چند تا نگله بزرگ قایم شدیم که جهاز از پست بازرسی نمره ۴ بگذره که نگیرنمون، ولی همی گروهبان کو، اومد تو خن و دیدمون که قایم شدیم، و از جهاز بیرونمون کرد و نذاشت با ناکو بریم، البته کار خدا بود، همون شب ناکو با بیست و دو سه نفر رفتن بطرف بحرین، هوا هم سرد، و آب هم سیاه و دریا تاریک، ناکو هم سینه میکشیده رو موج و میرفته، تا نگو یه تشاله (لنج) مال گناوه ایها، پر تا پر، شاهان جنس قاچاق و با چراغ خاموشی داشتن میومدن بوشهر، و همدیگه ندیدن، و تشاله رفته تو وسط سینه ناکو پاره کرده، و ناکو با همه مسافراش، در جا غرق شده، یکی هم زنده در نرفته، بیچاره ها همشون مردن، خلاصه مو و ماشو خراز شانس آوردیم، او شو (شب) همی نذاشت با ناکو بریم!

داستان عاموحبیب تموم شده بود که به میدون ششم بهمن (دروازه) رسیدیم؛ یکی از تو فروشگاه کفش ملی داد زد زنده حبیب سیبیل! کی اومدی؟ عامو حبیب با لهجه خنده دارش در جواب گفت ای منو (منوچهر ابولحسنی) هنو زنده ای؟ گفتم تا حالا حتما سرگرد پورافشار سرت زیر اُو کرده، و باز به خنده اش ادامه داد.

منو چکمه ای که دستش بود گذاشت تو ویترین مغازه و سریع اومد بیرون پیش ما و سلام کرد، عامو حبیب معرفیم کرد، گفت منو می شناسی؟ گفت ها اختیار داری سرور مانن، حبیب با خنده بهش گفت آفرین خوب شناختیش، محمود بچه کوکامن.

همینکه اومد از سفر حرف بزنه، عامو حبیب گفت، وقت ندارم، صبا؛ صبا صب دم مغازه شهریار میام میبینمت، منو گفت با شهریارو قهرم ولی ساعت ۱۰ دم مغازه سیاوش خوشابی می بینمت، مغازه ها یکی یکی داشتن چراغاشون خاموش می‌کردن و صدای پایین کشیدن درب‌های کرکره ایشون هم یکی بعد از دیگری بگوش می رسید، تا رسیدیم دم مغاز کریم گوریک (وزانی) دیدم جواد گرانبها مربی شاهین و شاه غلام بوالخیری و آقا جلال و حسین حمزه ئیان وایسادن و گرم صحبت با کریم هستند، منم از عامو حبیب خداحافظی کردم و رفتم به جمعشون اضافه شدم، کریم گفت؛ به به ، بره اون جایی که غم نباشه، جواد که از حرف کریم گوریک خنده اش گرفته بود رو به من کرد و دست راستش رو گذاشت رو شونه ام و گفت محمود جان بلیط اتوبوست برای فردان؟ گفتم بله آقا ساعت ۲ بعدازظهر، جواد یه نگاه به شاه غلام و آقا جلال انداخت و با تبسم و با لحنی که هم دستور و هم خواهش بود گفت فردا بلیطتت کنسل کن و اگه میشه ۲ هفته عقبش بنداز، ما یه بازی دوستانه ولی مهم داریم با سپه آبادان و حتما میخوام بمونی و بازی کنی، شاه غلام پرید تو حرفش و در ادامه گفت موردی نیست من بلیط را پس میدم و موعدش عوض می‌کنم نگران نباش، که آقا جلال غریب زاده گفت خب آقا پس تکلیف مسیح نیا و ابومسلمش چه میشه، دیر رفتنش براش مشکل ساز نشه!

آقا جواد گفت نه، اول میریم مخابرات از اونجا به حسین دریانورد میگیم تیلیفونشون بگیره تا بهشون خبر بدیم که محمود کمی کارش گیر کرده و دیرتر میاد!

من که به همه اونها احترام می گذاشتم گفتم هر چه شماها بگین انجام میدم، همگی سوار موتوراشون شدن که بریم اداره مخابرات، حسین آقا دریانورد اومد و با همه دست داد و آقا جواد بهش گفت که می خواهیم زنگ بزنیم مشهد که اگه بشه محمود سفرش عقب بندازه.

جواد گرانبها وُ حسین دریانورد قرار فردا صبح گذاشتن و از مخابرات دراومدیم، آقا جلال گفت همه بریم پلاژ شام بخوریم، دعوت خودُم باشید، هرکی سوار موتورش شد و منم سوار ترک موتور حسین حمزه ئیان پشت سرشون رفتیم؛ از بغل استادیوم رد شدیم جائیکه می شد چند تا از چراغای تو محله جفره ماهینی از دور ببینی و کمی بالاتر سمت چپ عمارت قدیمی دریابیگی که روزی برای خودش جایگاه ویژه ای تو ایران و انگلیس داشت، امروز دیگه سرافکنده بود و بیشتر قسمتای طاقش ریخته شده بود، و معجرهای جلو صورتش تاک و پیریک، مثه دندونای پس و پیش افتاده بودن، و تو تاریکی شب مثه جهازی (کشتی) که تو گل لهام (گیر) کرده باشه، کمی کج شده و انگار با یه کوه از غم رو پایه ها و ستونای رنگ و رو رفته اش، لم داده بود!

از سمت راست صدای آرام موج دریا بگوش می رسید که وقتی به تن ساحل میزد، کف سفیدش تا پشت درخت بابل مراد خشکی که سال‌ها به تنهایی مثل یه عاشق نظاره گر امواج دریا و خوابیدن خورشید در آن سوی آب بود، خود را عاشقانه بر ماسه های نرم و گرم ساحل می کشید، و کمی جلوتر چراغای رستوران کوچک مندلی آشپز روشن بود، همگی با موتور تا دم رستوران پلاژ رفتیم، همه از موتور پیاده شدیم آقا جلال رفت به سراغ مندلی آشپز که چند جایی از صورت و دستاش پیسه شده بود و به سرخ کردن سیب زمینی که خیلی باریک بریده شده (چیبس) مشغول بود،

ما هم رفتیم و پشت میزی که به ساحل و کنده درخت خشک باب المراد نزدیک بود نشستیم، چند دقیقه ای گذشت که مندلی آشپز و آقا جلال با هم اومدن پیش ما و پس از سلام و احوالپرسی جواد گرانبها بهش گفت اگه خوراک میگو سوخاری داره با مخلفاتش و دو تا بشقاب چیپس هم بیاره و یه بیپسی (همون پپسی) هم برای من اضافه کرد، خلاصه تا مندلی رفت: میگو سوخاری درست کنه و بساط شام آماده بشه، ما شروع کردیم به صحبت در مورد عقب انداختن سفرم به مشهد و مسابقه دوستانه با آبادانی ها...

جواد گرانبها سرمربی شاهین، سر صحبت باز کرد و گفت محمود جان ما که هیچ مشکلی با رفتنت به ابومسلم و یا پرسپولیس نداریم و تازه هر کاری هم از دستمون بر بیاد، برای موفقیت تو انجام می دیم، و خدا شاهد هست که همه ما شاهینی ها و حتی ایرانجوانی ها هم خوشحال میشن که موفقیت رو ببینند، و فردا به امید خدا میریم مخابرات و سعی می کنیم که رفتنت عقب بندازیم، ولی اگر موندنی شدی، باید بچسبی به تمرین، چون که اون روز که ۵۰ دقیقه بازی کردی خیلی خسته شده بودی و من متوجه شدم و شاه غلام و آقا جلال گفتند که خستگی راه تهران تا بوشهر و۱۰-۱۲ روز هم که تهرون بدون تمرین بودی همه اینا مؤثر بوده، ولی باید بدنت آماده باشه وقتی میری تهرون یا مشهد، و الان که دو هفته ای فرصت گیرت میاد خوب تمرین کن، هر روز برو تمرین ۳ روز با خودمون تمرین کن، ۲ روز هم برو زمین ایرانجوان که بدنت آماده بشه و بعدش بازی با سپه آبادان هم یه تست هست برات و قبل از رفتنت امتحان خوبی میشه.

همون لحظه آقا مندلی آشپز یه دیس بزرگ و سفید رنگ چینی که بو و بخار میگوی سوخاری شده ازش بلند می‌شد، آورد سر میز گذاشت و دوتا بشقاب بزرگ هم پر از چیپس که دورشو با خیارشور و گوجه فرنگی قاچ شده و چند تا شاخه جعفری تازه تزیین کرده بود، دو طرف میز گذاشت و سر نوشابه ها هم یکی یکی با قاشقی که تو دست داشت باز کرد و گذاشت رو میز و چند تا پیش دستی هم به تعداد ما با یه جعبه دستمال کاغذی حریر گذاشت یه گوشه میز و داشت می رفت که آقا جلال صداش کرد و گفت آقا مندلی پپسی آقا محمود نیوردی خُ! مندلی همونطور که داشت می رفت نیم چرخ برگشت بطرفمون و با دستاش اشاره کرد چشم الان میارم!

خیلی زود دو تا شیشه پپسی کوچیک آورد سر میز جلو من گذاشت، آقا جلال گفت آقا مندلی قربونت برُم، ای دوتا نوشابه چنن؟ ۴ تا قُلُپم نمیشه! اقلا سه چارتای دیگه بیار سیش که به یه جاییش برسه؛ محمود خیلی کُمش گتن، با دوتا نوشابه یه گارشتی هم نمیزنه، او هم گَفت باشه چشم، الان میارم. شروع کردیم به خوردن غذا و همزمان تعریفای سر میزی!

هر کی یه خاطره ای می گفت و با هم می خندیدیم و آقا جواد خاطره میشته رسول اهل جبری و از هواداران ایرانجوان که تو داروخانه سلامت متعلق به آقای حیدریان کار می‌کرد تعریف می کرد.

می گفت عامو! آقا رسول، کی به تو گفت برو تو زمین یقه داور بگیر، که ای بِلیکو سرمون در بیارن! مرد مؤمن مگه ما خومون زبوِن نداشتیم که تو وسط بازی هی یه پا یه پا رفتی به داور بزنی که سی چه پنالتی نگرفته؟ هم تیم برق شیراز و هم داور دنبال بونه بودن که بازی بهم بخوره و تو فدراسیون برن همه چیز ماسمالی کنن که شاهین نره تخت جمشید و در عوض برق شیراز از سرزمین جمشید در جام تخت جمشید شرکت کنه! آخرش همو شد که می خواستن! میشته رسول آدم فوتبال دوستی بود که یکی از پاهاش کوچکتر از پای دیگرش بود و به همین خاطر می لنگید، و خود من هم خاطره آن روز را بیاد دارم که او لنگ لنگان ولی سریع خودشو به داور رسوند و یک بلوایی به پا کرد، از اونجا بود که شرایط بازی بهم ریخت.

و بعد هم برق با گزارش ساختگی داور مسابقه آقای امجدزاده (اهل اصفهان) و آقای صدری مدیر وقت برق شیراز که با کامبیز اتابای دوست بود؛ تخت جمشیدی شد و شاهین همچنان در بوشهر موند!

با اینکه خاطره تلخی بود ولی بازم به اتفاقات حواشی اون بازی می خندیدیم!

## معضلی به نام ابلاغ الکترونیک در سازمان تأمین اجتماعی

نادر اقدام - کارشناس ارشد بازنشسته اجرائیات اداره کل تأمین اجتماعی بوشهر



اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی ISSA International Social Security Association (ایسا) مستقر در ژنو سوئیس، تحت نظارت و زیرمجموعه سازمان بین المللی کار (ILO) یک نهاد بین المللی است که از سال ۱۹۱۱ فعالیت خود را آغاز نموده و وابسته به سازمان ملل است و حدوداً ۱۵۸ کشور و ۳۳۳ سازمان در آن عضو هستند، که ایران یکی از اعضا اصلی این اتحادیه است. یکی از وظایف «ایسا» تدوین استاندارد خدمات تأمین اجتماعی در سراسر دنیاست که تاکنون ۱۲ رهنمود یا استاندارد جهانی توسط «ایسا» معرفی شده است و در حال حاضر متأسفانه تعدادی از آنها در ایران پیاده سازی و اجرا نشده اند. چرا که اجرای این استانداردها مستلزم تغییر رویه های موجود است. یکی از این استانداردها در ارتباط با نحوه ی ارتباط تأمین اجتماعی با شرکای خود است که می بایستی همه ی مقررات، قوانین و بخشنامه ها به زبان ساده باشند به طوری که همه ی افراد عضو بتوانند به راحتی از آنها بهره مند شوند و نسبت به مزایا و خدماتی که شامل حالشان می شود، آگاهی یابند.

از نکاتی که موجب شده است در طول سالها بین کارفرمایان و تأمین اجتماعی درگیری به وجود آید همین نحوه ابلاغ و اطلاع رسانی بدهی های کارفرمایان به استناد ماده ی ۴۲ و ۴۴ قانون تأمین اجتماعی ست.

شاید قریب به اتفاق کارفرمایان بدون آگاهی کامل از مفاد قانون تجارت الکترونیک اجباراً متقاضی دریافت کلیه اوراق شعب مربوط به بدهی ها و احکام مطالباتی و دعوتنامه ها و... صرفاً به صورت الکترونیکی شده اند و از آنها امضا الکترونیک گرفته می شود، در حالی که بسیاری از آنان به خصوص کارفرمایان حقیقی اطلاع کافی از مفاد قانون یاد شده (قانون تجارت الکترونیک) نداشته و از دردسرها و مشکلات آتی آن بی اطلاع هستند. حجم زیادی از بدهی های برآوردی که بدین نحو به کارفرمایان ابلاغ شده متأسفانه به علت عدم آشنایی کارفرمایان به صورت قطعی درآمده و غیرقابل اعتراض خواهند بود، در نتیجه با قطعی شدن بدهی، نارضایتی کارفرمایان را دربرداشته و همین امر سبب ایجاد تنش بسیار بین کارفرمایان و سازمان خواهد شد. این مسئله سبب اتلاف وقت، انرژی و هزینه ی کارکنان برای توضیح و تبیین قانون یاد شده به کارفرمایان می شود. به مشکلات فوق، قطع و وصل شدن مرتب اینترنت، عدم آشنایی بسیاری از کارفرمایان به استفاده از پست الکترونیک و یا عدم دسترسی دائم آنها به اینترنت، سن بالای برخی کارفرمایان و... را هم اضافه کنید.

مشکل دیگر عدم شفافیت مواد قانونی و نامفهوم و گنگ بودن جملات برای مخاطبین است. برای مثال ماده ی ۲۲ قانون تجارت الکترونیک از فصل سوم (تصدیق دریافت) با رهنمودهای اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی مبنی بر ساده و همه فهم بودن قوانین، مغایرت دارد:

متن قانون: ماده ی ۲۲:

هر گاه قبل یا به هنگام ارسال «داده پیام» اصل ساز از مخاطب بخواهد یا توافق کنند که دریافت «داده پیام» تصدیق شود، اگر به شکل یا روش تصدیق توافق نشده باشد، هر نوع ارتباط خودکار یا مکاتبه یا اتخاذ هر نوع تدبیر مناسب از سوی مخاطب که اصل ساز را نحو معقول از دریافت «داده پیام» مطمئن کند، تصدیق دریافت «داده پیام» محسوب می گردد. آیا این تعریف برای همه ی مخاطبین عام و خاص قابل درک و فهم است؟ آیا قبل از گرفتن امضا و تعمد از کارفرمایان در فرم ها این ماده ی قانونی به آنها تفهیم شده است؟ بسیاری از کارفرمایان از نحوه ی اطلاع رسانی سازمان در این زمینه گله مند و ناراضی اند. اگرچه شفاف سازی و اطلاع رسانی کامل از طرف سازمان می تواند رضایت کارفرمایان را فراهم نماید و آنها را به سازمان نزدیکتر و متعهدتر کند.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



دادستان بوشهر:

## انشعاب غیرمجاز در مسیر اصلی انتقال سوخت به بوشهر کشف شد

دادستان عمومی و انقلاب بوشهر از کشف انشعاب غیرمجاز سودجویان برای برداشت از خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی از کشتی به انبار نفت در شهر بوشهر خبر داد.
علی حسن‌پور به خبرنگار مهر گفت: پس از وصول گزارشی مبنی بر نشت مواد نفتی در یکی از خیابان‌های شهر بوشهر، بررسی اولیه توسط ضابطین دادگستری و عوامل اجرایی انجام شد.
وی بیان کرد: با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که از خط لوله ۱۶ اینچی که برای انتقال فرآورده‌های نفتی از محل اداره بنادر و کشتیرانی به مخزن های متعلق به شرکت پخش فرآورده های نفتی بوشهر تعبیه شده، اشخاصی به صورت مخفیانه و غیرمجاز اقدام به ایجاد انشعاب و برداشت از این خط لوله کردند و بوسیله انتقال آن به منزل مخروبه ای در همان حوالی به سرقت فرآورده های نفتی مبادرت می کرده‌اند حسن‌پور افزود: بر همین اساس دستورات قضایی در خصوص شناسایی افراد دخیل در این ماجرا صادر که متعاقب آن شخصی که این منزل در اختیار ایشان بوده شناسایی و بازداشت و تحقیقات در این خصوص در حال انجام است.
وی اضافه کرد: سودجویان یک انشعاب یک اینچی را در این مسیر ایجاد کرده و فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین و گازوئیل را در مخازن هزار لیتری و مخازن کوچکتر ذخیره‌سازی و استفاده می‌کردند.
دادستان عمومی و انقلاب بوشهر با اشاره به اینکه این تخلف در خانه‌ای واقع در خیابان گمرک بوشهر رخ داده است، بیان کرد: در مسیر یک انشعاب غیرمجاز از این برداشت می‌شد و طوری مخفیانه کار می‌کردند که کسی متوجه فعالیت آنها نشود. حسن‌پور از صدور دستورات لازم برای تعقیب موضوع و بررسی افرادی که در این زمینه نقش داشته‌اند خبر داد و افزود: مدت زمان سوءاستفاده و میزان سوخت برداشت شده در دست بررسی است.

# به عنوان متصدی امور فرهنگی استان بوشهر، چه حرفی برای گفتن دارید؟

عادل مقدس - وکیل دادگستری و دوستدار فرهنگ و هنر

سالها قبل در دوره ی استانداری آقای حسنوند دوستی با اطلاع از آشنایی بنده با ایشان از من خواست که با آقای استاندار در رابطه با شهردار شدن خانم ماحوزی صحبت کنم. صحبت کردم و ایشان مخالف بود و البته دلایل خودش را داشت. به نظر بنده چه خوب که ایشان شهردار نشد! این مقدمه را گفتم تا به اظهارات ایشان در رابطه با مجوز کنسرت محسن شریفیان برسم. ایشان فرموده اند که با برگزاری کنسرت محسن شریفیان موافقم و استانداری و نیروی انتظامی هم موافقند، ولی برخی ها مخالفند!
مدیر محترمه ارشاد بوشهر خیلی شیک و مجلسی اشتباه می فرمایید.
سرکار خانم! این اظهارات نه تنها شما را بخاطر عملکرد ضعیفتان تبرئه نمی کند بلکه نشان می دهد چه اندازه در مدیریت و عملکرد مسئولیتی که دارید ضعیف هستید.
در مصاحبه ای که سالها قبل از حسین پاکدل بازیگر و مجری تئاتر و سینما و تلویزیون پخش شد، ایشان عنوان کرد که در زمان تصدی به عنوان ریاست تئاتر شهر عده ای آمدند و از من خواستند جلوی اجرای فلان تئاتر را بگیرم. می گفت به آنها گفتم این تئاتر تمامی مراحل قانونی خود را گذرانده تا به اجرا رسیده است. من در برابر قانون راهی جز تمکین ندارم، ولی اگر شما می خواهید می توانید خودتان جلوی اجرا را بگیرید.
شاید اظهارات پاکدل باعث شد که ایشان دوره ی مدیریتی کوتاهی در این کشور داشته باشد، ولی آن عده، در آن زمان دُمشان را گذاشتند روی کولشان و رفتند. عملکرد یک مدیر اگر نگران آینده ی مدیریتی خودش نباشد و قانونی و در راستای هدف شغلی صرف عمل کند قطعا از نظر مردم می تواند یک مدیریت صحیح باشد.






سرکار خانم ماحوزی! از کنسرت محسن شریفیان بگذریم. می توانید به ما بفرمایید اگر در این شهر که قدمت فرهنگ و سنت و آیین هایش به اعصار قبل می رسد، اشخاصی مانند ادریس عبدی پور با کافه حاج رییس، رضا ناجی با کافه ناجی، دکتر کولیوند با کافه کهان، ابراهیم تمهید با کافه لنج بنگسار و همچنین هنرمندانی مانند محسن شریفیان، داریوش غریب زاده، احسان عبدی پور، رامتین بالف و خیلی دیگر از این بزرگواران را از فرهنگ این شهر بگیرند، شما به عنوان متصدی امور فرهنگی بالاترین ارگان این شهر و استان چه حرفی برای گفتن دارید؟ لطفاً این را عجالتاً پاسخ بفرمایید، نظر دادن درباره ی اجرا یا عدم اجرای محسن شریفیان پیشکشتان خانم مدیر!

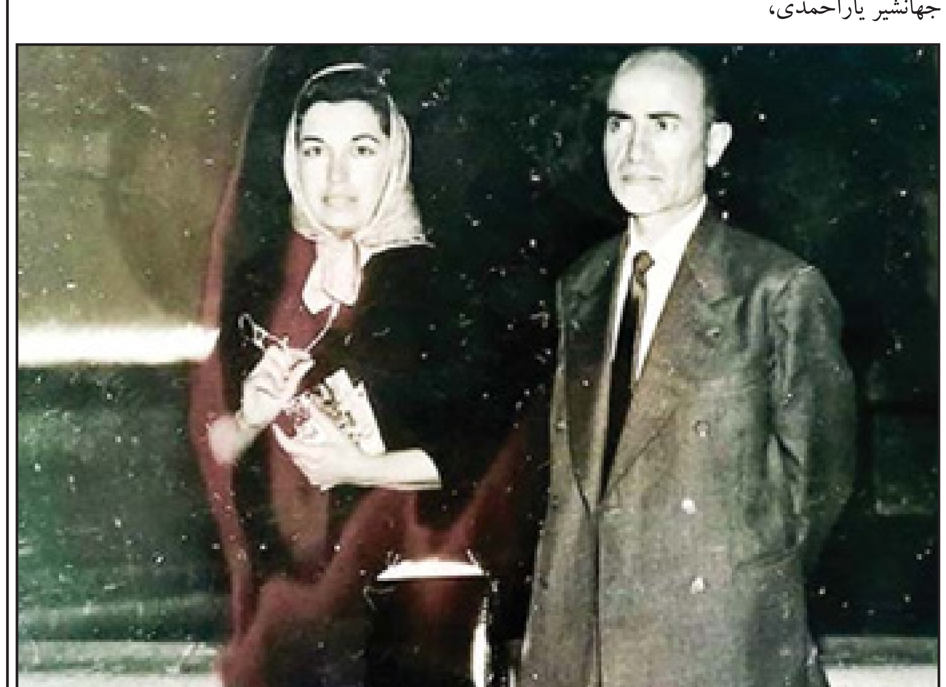
یادداشت؛

## مطالبه‌گری به سبک نمایندگان استان بوشهر در مجلس

سعید رضایی*: حضور اعضای دولت و وزرا در هر استانی این فرصت را ایجاد می کند که با تشریح شرایط و وضعیت استان، نسبت به دریافت اعتبارات و تخصیص بودجه و تعریف پروژه‌ها با وزیر مذاکره کرد و برای توسعه استان قدم برداشت.
امروز وزیر کشور مهمان استان بوشهر بود و در اولین نشست کاری در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان بوشهر که با حضور استاندار، مدیران دستگاه‌های اجرایی، نماینده ولی فقیه در استان و نمایندگان مجلس برگزار شد، حضور یافت.
این نشست می‌توانست محلی برای مطالبه‌گری نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی باشد و نمایندگان مجلس با تشریح مشکلات و کاستی‌ها و اعلام نیازهای استان، از این عضو کابینه دولت برای رفع مشکلات استان یاری بگیرند.
استان بوشهر دارای تعداد بسیار کمی نماینده در مجلس شورای اسلامی است و همین چهار نماینده باید تلاش مضاعفی برای احقاق حقوق استان داشته باشند و شاید باید به اندازه چند نماینده مجلس تلاش کنند.
در حالی که نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی باید از هر فرصتی برای دفاع از موکلان خود و رفع مشکلات و تامین نیازهای آنها استفاده کنند، گویا اولویت نمایندگان استان بوشهر حفظ صندلی است.
سه نماینده استان بوشهر که از ابتدای نشست ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان بوشهر حضور داشتند، به خاطر اینکه محل نشستن آنها از دید خودشان مناسب نبود، پس از قرائت قرآن جلسه را ترک کردند و بیرون رفتند و بعدها با وساطت صورت گرفته یکی از این افراد برگشتند و نماینده چهارم هم به جلسه اضافه شد ولی دو نماینده جلسه را به کلی ترک کرده و رفتند.
یکی از این نمایندگان استان دلیل ترک جلسه را رعایت نشدن شان آنها عنوان کرده است. آیا شان نماینده مجلس در این است که صندلی او یکی یا دوتا صندلی با وزیر فاصله داشته باشد و یا شان و جایگاه باید در دل مردم و توانمندی او باشد؟
اینکه شان نماینده مجلس باید حفظ شود را شکی نیست و علاوه بر نماینده مجلس، شان مردم نیز باید حفظ شود. شان و جایگاه مردم این است که نماینده آنها از هر روزنه‌ای برای گرفتن ریالی بیشتر از اعتبارات استفاده کند.
شان مردم این است که نماینده روی زمین بنشیند و یا ایستاده اینگونه جلسات را دنبال کند ولی بتواند ذره‌ای بیشتر به درد مردم بخورد، مردمی که این روزها با مشکلات اقتصادی مختلفی روبرو هستند و تلاش نمایندگان می‌تواند کمک زیادی به آنها باشد.
انتظار می‌رفت نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی حتی اگر محل نشستن آنها در نشست با وزیر فاصله زیادی هم داشت، به خاطر مردم هم که شده نشست را ترک نمی‌کردند و می‌ماندند و از حق مردم دفاع می‌کردند.
* سرپرست دفتر خبرگزاری مهر استان بوشهر

## پیام تسلیت جمعی از فرهنگیان، روزنامه نگاران، دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان و کنشگران مدنی استان بوشهر به مناسبت درگذشت بانو ملک طباطبایی

سرکار بانو ملک طباطبایی همسر فداکار زنده یاد مهندس مهدی بازرگان چشم از جهان فروبست. این بانوی سرفراز عمری را در حمایت از راه و رسم شادروان بازرگان سپری کرد و در جاده پر سنگلاخ و خطرناک دفاع از حقوق ملت، آزادی، عدالت و آرمان های میهنی، در دوران پیشا و پسا انقلاب ۵۷ رنج ها و ناملایمات فراوانی را به جان خرید.
ما درگذشت این بانوی گران ارج را به خاندان فرهیخته ی مانا یاد مهندس بازرگان و دوستداران شان و همه ی مبارزان راه آزادی تسلیت گفته، برای این مادر شکیبا و نستوه، بخشایش خداوندی و برای همه ی خاندان ایشان و برای ملت ایران پایندگی و بهروزی آرزومندیم!
حمید آب آذر، علی آتشی، نجف آهوچهر، خورشید فقیه، مجید ابراهیمی، علی ابن رومی، الیاس احمد حسینی، حسن احمدی، علی احمدی، ماندانا احمدی، عبدالحسین احمدی ریشهری، سید مجتبی اسلامی، علی اسماعیلی، نجیب افراسیابی، مهدیه امیری، محمدجعفر ایزدپناه، عالی بازدار، حسین بختیاری آزاد، برنا بدخشان، هادی برمکی، حسین بکمی، مهدی بهرامی، سیروس بنه گزی، حسین پاپری، علی پدیساز، غلامعلی تمهید، محمدمهدی جعفری، محمود جمهیری، مهدی جهان بخشان، حمید چمانی ریگ، اسماعیل حسام مقدم، عبدالله حسن ابراهیمی، عبدالخضر حسن ابراهیمی، سید جعفر حسینی، محمدکاظم حق شناس، مصطفی خالق پور، سیروس خواجه، شریعت خواجه ئیان، مریم خرمی، حامد خضری، مریم خوئینی، محمد دادفر، حسن دانشور، کامران داور، علی دباش، محمدرضا دباش، سید احد درخشنده، سید اکبر درخشنده، سیدرضا درخشنده، سیدحسن درخشنده، علی اصغر درلیک، مسلم روئین، ابراهیم روشن بین، حسین دهقانی، نبی دهقانی، محمدحسین زائری، عبدالرسول زاهدی، احمد سبحانیان، مرتضی سراجی، فاطمه سعادتمند، یوسف سلیمی، اصغر سیف بوشهری، حسین شاکری، حمید شاه ولی، جواد شمشیری، نعمت الله شیخ سقا، اکبر صابری، محمدباقر عباسی سملی، محمدرضا عزیزپور، راضیه عقیلی مهر، ناصر علیخواه، حمیدرضا غلامپور، عبدالرسول غلامی، رضا فاطمی، خضر فرهانی، بابک فقیه، احمد فکراندیش، ناصر قاسمی، غلامعلی قاضی زاده، محمد قدسی، محمد قنبرپور، یونس قیصی زاده، محسن کارگر، خدارحم کرم زاده، غلامرضا کشاورز، مصطفی کشاورز، سجاد کمالی، عبدالحسین کنین، نجف گرگین، ابراهیم گرمساری، الهام گنبدی پور، محمدامین گنبدی پور، ناصر گنبدی پور، نعمت الله گنبدی پور، نوید گنبدی پور، فرشید لاری، حسن لاوری، مسعود ماهینی، آمنه محمدی، قاسم محمدی باغملایی، محمود ملاکی، اسماعیل منصورنژاد، حسام منصوری، خلیل موحد، وحید موحد، حمید موذنی، سید حسن موسوی نژاد، اسماعیل مهاجری، مجید نصوری، محمد حسن نصیری، رضا نکیسا، اکبر نهاری، فرهاد نیکنام، ایرن واعظ زاده، محمد وحیدی، یزدانبخش هنری، جهانشیر یاراحمدی،



## داستان عجیب ناخدا شدن ناخدا عباس دریانورد از زبان خودش

ناخدا عباس دریانورد، ناخدای معروف بوشهری شخصیتی چند بعدی دارد. او علاوه بر این که ناخدای اولین ناوهای ایران یعنی پرسپولیس و مظفری بود، بر ادبیات فارسی تسلط داشته، به ۶ زبان زنده دنیا (انگلیسی، هندی، آلمانی، عربی، فرانسوی و ژاپنی) آگاهی داشته و تکلم می‌کرده، شاعری زبردست و نوحه‌خوانی قابل نیز بوده است. بسیاری از نوحه‌های سنتی بوشهر که هم‌اکنون نیز در ایام عزا خوانده می‌شوند توسط ناخدا عباس سروده شده، توسط خود وی آهنگ‌گذاری شده و با صدای خودش در مسجد شنبدی خوانده شده‌اند.
- اما آنچه در کتاب خاطرات او جلب توجه می‌کند، ماجرای عجیب ناخدا شدن اوست. ناخدا عباس در خاطراتش تعریف می‌کند که در رمضان سال ۱۲۷۹ شمسی در سن ۱۹ سالگی با پدرش ناخدا احمد در سفری دریایی عازم بصره، سپس هند، و زنگبار می‌شود. اما بین هند و زنگبار در وسط اقیانوس، کشتی دچار طوفانی سهمگین شده، ناخدا احمد بر اثر اصابت موجی مرتفع به کشتی، از پشت سکان به قعر دریا می‌افتد و غرق می‌شود.
- در طول مسیر، پدر سعی می‌کرده اصول جهت یابی و موقعیت یابی و کار با «سگستان» (وسیله موقعیت یابی) را به عباس جوان بیاموزد. اما هر بار او با این بهانه که سفر دراز است، آموزش را به روزهای بعد موکول کرده و از درس ناوبری طفره می‌رفته. او اما حالا سرگردان با کشتی بادبانی پر از خدمه و مسافر و مال التجاره وسط اقیانوس گرفتار شده است. عباس از مسافران می‌خواهد دعا کنند و از خداوند بخواهند که وی بتواند آن‌ها را نجات دهد.
- عباس چهار شب خواب پدرش را می‌بیند که در خواب، به وی درس دریانوردی و کار با سگستان می‌دهد. او هر روز درس خواب دیشب را مشق کرده و جهت حرکت کشتی را مشخص می‌کند.



- چهار شب و روز به همین منوال می‌گذرد تا این که کوهی نمودار می‌شود. عباس حالا که به کار با دستگاه سگستان مسلط شده محاسبه می‌کند و می‌فهمد پهلوی رأس الکتو در دهانه‌ی خور لاموه (در کشور فعلی کنیا) هستند. آنجا در خور داخل شده و ماجرا را برای کنسول انگلیس که وی را احضار کرده بود تعریف می‌کند و باعث حیرت وی می‌شود.
- عباس که حالا دیگر ناخدا عباس شده است، عازم عباسه، و سپس زنگبار می‌شود. بارهایش را تحویل می‌دهد و از آنجا چندل بار کشتی می‌کند. ۴۵ روزه به مسقط (عمان) می‌رسد. از آنجا به بحرین می‌رود و همه‌ی چندل‌ها را می‌فروشد. و نهایتاً پس از پایان یک سفر ۵ ماهه و در صورتی که دیگر ناخدایی ماهر و باتجربه شده است وارد بوشهر می‌شود.
منبع: «سفرنامه دریایی ناخدا عباس دریانورد»، به کوشش دکتر عبدالکریم مشایخی، نشر صحیفه خرد (به سفارش حوزه هنری بوشهر)، صص ۲۶-۲۹



## دیدار استاندار بوشهر با خانواده شهید شاهرخ برغندان

استاندار بوشهر به همراه شماری از مدیران استانداری، با خانواده شهید شاهرخ برغندان دیدار و گفت و گو کرد.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، عبدالکریم گراوند در ادامه دیدار با خانواده شهدا، به همراه شماری از مدیران ستادی به دیدار خانواده شهید شاهرخ برغندان رفت.




استاندار بوشهر در این دیدار صمیمی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، عزت و بزرگی ایران اسلامی در دنیا را مرهون خون شهدا دانست و بر ادامه راه شهدا تأکید کرد. گراوند بر تکریم خانواده شهدا تأکید کرد و افزود: بر همه مسوولان واجب است ضمن دیدار با خانواده شهدا، نسبت به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت هم اهتمام ورزند.
شهید شاهرخ برغندان در تاریخ ۳۱ تیرماه سال ۱۳۶۲ در پیرانشهر در مبارزه با رژیم بعثی به شهادت رسید.